

# گفتگوی مردم افغانستان پیرامون صلح

ایجاد مبانی برای یک پروسه فراگیر صلح

- نقشه های محلی برای صلح -



کابل، افغانستان، جون ۲۰۱۴

"مردم افغانستان از ابتکاراتی نظیر گفتگوی مردم افغانستان پیرامون صلح استقبال می کنند زیرا این چنین موضوعات برای متبلور ساختن نقش مردم در پروسه صلح بسیار مهم بوده و به مثابه یک محل مهم تبادل آرا که در آن مردم عادی می توانند نظریات شان را آزادانه در مورد صلح و جنگ در ولایات شان بیان دارند، عمل می نماید. این کوشش هایی که بر محوریت مردم عادی بنا شده، برای ایجاد یک اجماع ملی برای صلح حایز اهمیت شدید است."

- اشتراک کننده مباحث گروهی ، ولایت ارزگان

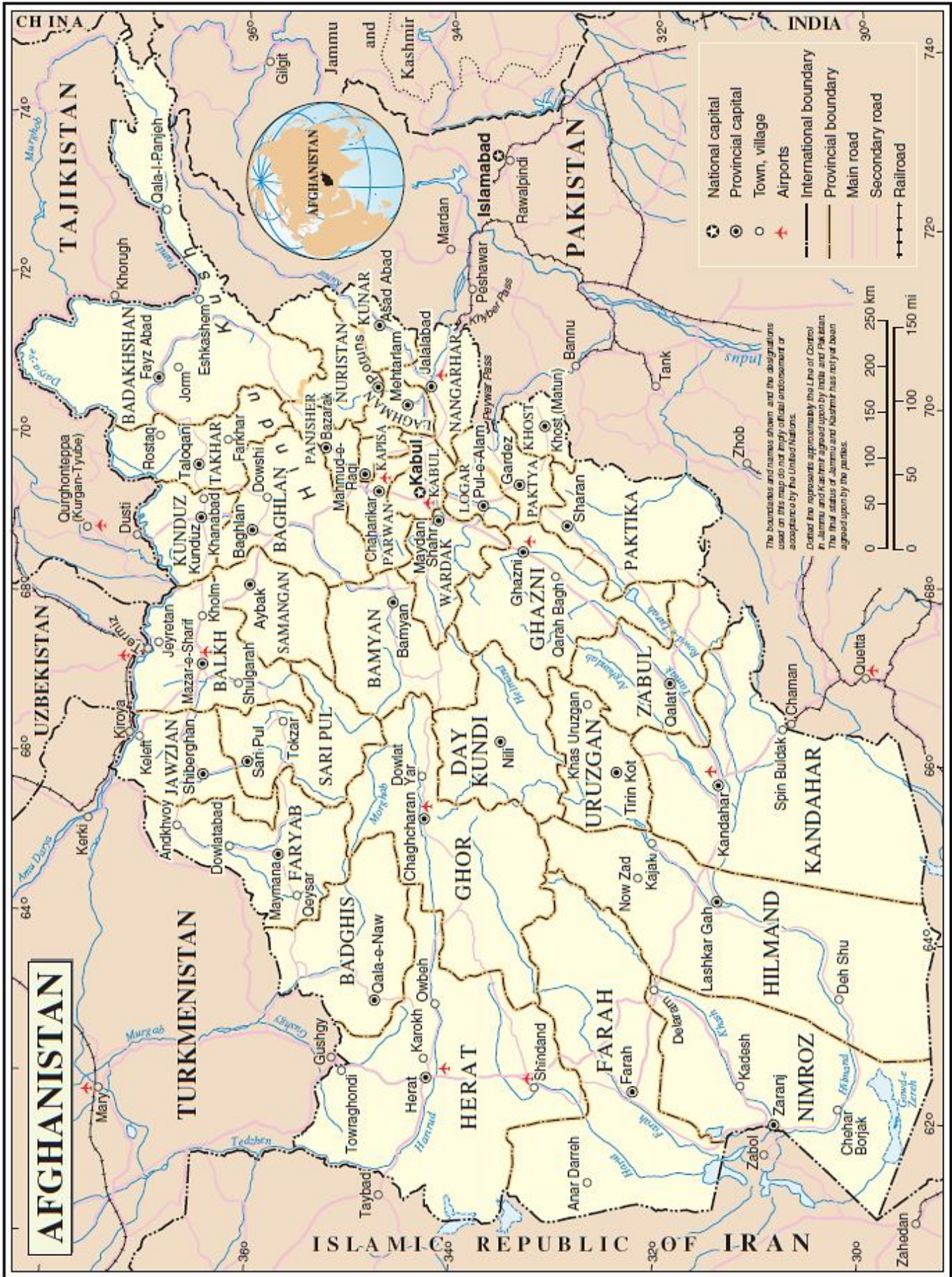
# گفتگوی مردم افغانستان پیرامون صلح: ایجاد مبانی برای یک پروسه فراگیر صلح

---

نقشه های محلی برای صلح

کابل، افغانستان  
20 جوزا 1393 (10 جون 2014)





گفتگوی مردم افغانستان پیرامون صلح: ایجاد مبنای برای یک پروسه فراگیر صلح

# گفتگوی مردم افغانستان پیرامون صلح: ایجاد مبانی برای یک پروسه فراگیر صلح

## نقشه های محلی برای صلح

### فهرست

i	خلاصه گزارش
1	مقدمه
3	محركه های كلیدی منازعه
۳	1-2. فساد گسترده، سوء استفاده از قدرت و معافیت ریشه دار
۷	2-2. وضع امنیتی رو به وخامت
۱۱	3-2. منازعات، قومی، قبیله‌ی و فرقه ای
۱۳	4-2. فقدان انكشاف اجتماعی و اقتصادی
۱۶	5-2. رقابت بر سر کنترل منابع نامشروع اقتصادی
۱۸	6-2. پروسه جاری صلح
۲۲	7-2. تاثیر درگیری بر زنان
۲۳	8-2. تاثیر درگیری بر جوانان
26	3. نقشه راه برای صلح
۲۶	1-3. ارتقای مسؤولیت پذیری نهاد های دولتی
۲۸	2-3. ارتقای حقوق بشر، حاکمیت قانون و مبارزه با معافیت
۲۹	3-3. ارتقای حقوق زنان و نقش آنها در اعمار صلح
۳۱	4-3. تحقق متوازن انكشاف اجتماعی و اقتصادی و توانمند سازی جوانان
34	4. ابزارهای دستیابی به صلح پایدار
39	5. نتیجه گیری و سفارشات مردم

دیدگاه های بیان شده در این سند فقط از آن عده از مردان، زنان و جوانان افغان اند که در مرحله دوم گفتگوی مردم افغانستان  
پیرامون صلح اشتراک ورزیدند.



## خلاصه گزارش

خلع سلاح و خلع قدرت نمودن ملیشه های محلی، مبارزه بر ضد فساد گسترده و معافیت در پولیس و قضاء، حل کشمکش های قومی، منازعات قبیله‌ای و جنگ های فرقه ای که جنگ های وسیعتری را دامن می زند، رعایت نمودن حقوق بشر و فراهم سازی کمک های کافی انکشافی و ارایه خدمات برای دستیابی به صلح دوامدار در افغانستان حتمی می باشد. (دریافت شده ای ابتکار تحت رهبری جامعه مدنی افغانستان، گفتگوی مردم افغانستان پیرامون صلح).

گزارش تهیه شده (43) صفحه ای توسط 11 شبکه جامعه مدنی و کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان، (گفتگوی مردم افغانستان پیرامون صلح: ایجاد مبانی برای یک پروسه فراگیر صلح)، دیدگاه های 4648 تن افغان اعم از زنان، مردان و جوانان از 34 ولایت کشور را خلاصه نموده شکایات و آمال آنها را مستند گردانیده و نیز راه حل هایی را برای نایل شدن به صلح پایدار در افغانستان ارایه می دارد.

این گزارش به منظور همه شمول ساختن و نیز صدا بخشیدن به دیدگاه های افغانهای عادی پیرامون موضوعات مهم ایکه غالباً به زندگی آنها اثر گذار می باشد مطرح گردید. گفتگوی افغانها پیرامون صلح، جامعه مدنی افغانستان را قادر گردانید تا نظریات کسانی را که بطور سنتی در حاشیه قرار داشتند به شمول افغانهای نقاط روستایی و دوردست کشور و نیز زنان و جوانان را استخراج نموده و این دیدگاه ها را برای دو کاندید پیشتاز ریاست جمهوری به مثابه اهداف مشروع و خواسته های مردم تقدیم نمایند.

بر بنیاد 189 مباحث گروهی، سروی دیدگاه ها و مصاحبه های انفرادی که توسط جامعه مدنی افغانستان بین اپریل 2013 و جنوری 2014 که با مشارکت خانم های خانه، مردمان تجارت پیشه محلی، معلمین، دهقانان، دانش آموزان، بزرگان قومی و دینی، جوانان و اعضای قبلی مخالفین مسلح (طالبان سابق) براه انداخته شد، این گزارش دخیل بودن و نظریات زنان، مردان و جوانان افغان از همه بخش های زندگی را پیرامون چشم انداز صلح به سطح محل در سر تاسر افغانستان بازتاب می دهد. بحث با جوامع مردمی منتج به ایجاد 30 نقشه ولایتی صلح تا امروز گردیده است.

این گزارش یافته های مرحله دوم گفتگوی مردم افغانستان پیرامون صلح را ارایه می کند. مرحله اول گفتگوی مردم در برگیرنده 78 مبحث گروهی بود که در 31 ولایت افغانستان از جمله 34 ولایت آن تدویر یافته و 1526 تن مردان، زنان و جوانان از گروه های مختلف قومی و اجتماعی اقتصادی در آن اشتراک داشتند. یافته های مرحله اول ضمن یک گزارش جامع در دسامبر 2011 تحت عنوان "گفتمان مردم افغانستان پیرامون صلح، گذاشتن مبانی برای پروسه فراگیر صلح" به نشر رسید. در جریان هر دو مرحله بیشتر از 6000 افغان اعم از مردان، زنان و جوانان در گفتگوی مردم افغانستان پیرامون صلح شرکت جستند.

جامعه مدنی افغانستان، به حیث نماینده گان مردم، گزارش را هماهنگ و یافته های مرحله دوم گفتگوی مردم افغانستان پیرامون صلح را تلخیص نمودند تا اطمینان حاصل گردد که صدای مردم عادی افغانستان بلند گردیده و توسط پالیسی سازان بشمول پالیسی سازان موجود فعلی و رئیس جمهور ایکه در آستانه آمدن است به آن گوش می دهند. این گزارش فراخوان ایست برای عمل تا اطمینان حاصل شود که ابتکارات اعمار صلح نه تنها به معنی دخیل ساختن افغان ها اعم از مردان، زنان و جوان



است بلکه مبتنی بر نقشه های برای صلح می باشد که افغانها خود شان آن را برای کشور شان ترسیم کرده اند. این نه تنها مشروعیت هر نوع بر نامه صلح را تضمین می کند بلکه آنرا به سوی صلحی مبتنی بر خواست و اراده مردم افغانستان رهبری مینماید.

## مبارزه با فساد گسترده

یک موضوع عمومی ای که در تمام گفتگوی مردم افغانستان پیرامون صلح با صدای بلند یاد گردید و در گزارش نیز با جزئیات آمده است، همانا نا امیدی افغانها از حکومت شان بنا بر فساد، ضعف حاکمیت قانون و معافیت ریشه دار از تخطی های حقوق بشری می باشد. این عوامل به مثابه محرکه های اساسی منازعه نگریسته شدند. گزارش می رساند که فساد راه را بسوی نفوذ پیشنهاد می کند و معافیت یک امریست که با توجه به ایجاد آن بسوی فساد در نظام عدلی استقامت دارد.

*"حکومت فاسد میان گروه های قومی متکثر افغانی تبعیض قائل می شود، در اینجا سیستم مقرر می مبتنی بر شایسته سالاری در دفاتر وجود ندارد. نقض سیستماتیک حقوق بشر ادامه دارد و فقر و فرهنگ معافیت منبعت از آن باعث منازعات محلی می گردد." از گفته های یک اشتراک کننده گفتگو در ولایت دایکندی. نظریات مشابه دیگری توسط تعداد از افغانها در سطح کشور مطرح گردید.*

مردان، زنان و جوانان افغان به نیاز بر تقویت کنترل و توازن که بر نهادهای حکومت محلی نظارت کند، تاکید کردند. آنها علاقه مند به داشتن حکومت های محلی مسؤول، شفاف و مؤثر بوده و تایید کردند که برای اطمینان صلح پایدار، مسؤولیت پذیری، شفافیت و مؤثریت حکومت در محلات نقش مرکزی را بازی می کند. مردم صراحتاً خواستار تطبیق برنامه های اصلاحی، به شمول اقدامات مستقل و غیر سیاسی چون برکناری مقامات فاسد، اطمینان از شایسته سالاری در تقرر کارمندان محلی حکومت و معرفی طرز العمل های اداری مؤثر شدند.

افغانها در این گزارش از دولت شان خواستند تا از بررسی کارمندان بخش عدلی اطمینان حاصل گردد و تغییراتی تحقق یابد که با فساد و سوء استفاده از صلاحیت در بخش های تحقیق و محاکم جلوگیری گردد.

## بهبودی امنیت، خلع سلاح و خلع قدرت ملیشه های محلی

گفتگوی مردم افغانستان پیرامون صلح، به فقدان حضور دولت در مناطق دور دست، نا امن و مورد رقابت به حیث یکی از محرکه های منازعات مسلحانه اشاره می کند. گزارش می رساند که عدم توانایی دولت در فراهم سازی کافی نیروهای ملی امنیتی در بسیاری بخش های مملکت باعث تجدید فعالیت های طالبان و سایر گروه های غیر قانونی در ولایاتی مانند فراه، هرات، جوزجان و پروان گردیده است.

در بسیاری بخش های نا امن کشور ضمن مباحثات، افغانها ترس شان از نفوذ طالبان را برملا ساخته افزودند که ناکافی بودن نیروهای ملی امنیتی دولت را وادار کرده تا به ملیشه های محلی بدنام که با بسیاری از دستگاه های دولت ارتباط قوی دارند، به مثابه منبع بیرونی برای تامین امنیت شهروندان بنگرد. این عارضه از سوی اشتراک کنندگان در ولایت کندز به حیث آنچه که

منتج به ایجاد "دولت در بین دولت" می توان گفت، مطرح گردید- جایی که قانون به عوض تطبیق در سطح ولایتی و یا ملی به سطح محل تطبیق می گردد.

یک متنفذ از ولایت پروان گفت: "افراد مسلح غیر قانونی در هر جا وجود دارند. آنها صلح را نمی خواهند زیرا در آن صورت قدرت خود را از دست خواهند داد. به همین دلیل آنها جنگ را میان جوامع خلق می کنند. این یک حقیقت ناخوشایند است و محدود کننده واقعی صلح میان جوامع ما است. تا وقتی که این گروه ها حذف نشوند، صلح به حیث یک رویا باقی خواهد ماند."

گزارش از دولت می طلبد که گروه های مسلح غیر قانونی و سایر گروه های ملیشه طرفدار دولت را خلع سلاح نماید. این موضوع را افغان ها به حیث یک موضوع مهم در راستای مبارزه با نفوذ زور مندان محلی و جنگ سالاران در تمام نهاد های دولتی محلی دانسته اند.

### رسیدگی به منازعات فرقه ای و ارتباط آن با شورش

این گزارش نگرانی های افغانها اعم از مردان، زنان و جوانان را در مورد عمیق شدن خصومت های قبیله ای، و دشمنی های قومی که بی امنی و بی ثباتی را در بسیاری نقاط افغانستان دامن می زند تبارز می دهد. مردم بیان داشتند که چنین منازعات جنگ های بزرگتری را میان دولت و مخالفین مسلح قوت بخشیده و مشتعل تر می سازد. توأم با اینکه هریک از جوانب ایکه نا امید شوند دست به ایجاد متحدینی می زنند، توانمندی نظامی و قوت های سیار خود را با هم به منظور از بین بردن حریفان خود جمع و همانگ مینمایند .

افغان های ولایت بلخ گفتند: "عامل عمده کشمکش در ولسوالی ما دشمنی و جنگ های سابقه دار جریانات است. این مسئله مردم ما را از هم جدا ساخته است. برخی ها به ملیشه های طرفدار دولت پیوسته اند و دیگران با طالبان. جنگ های شدیدی صورت گرفته و در نتیجه مردمان زیادی کشته و یا زخمی شده اند."

افغانها در سراسر کشور بیان داشتند که ادعا های قومی به مثابه یکی از عوامل شدید جدا سازی است . چنین منازعات در سطح محلی معمولاً به میزان تمام عیار به نفع اغتشاش تحت رهبری طالبان تمام می شود. افغانها از دولت خواستند تا توجه بیشتری به حل منازعات و کشمکش های محلی معطوف داشته منازعات رو به افزایش را از طریق همبستگی محلی و مصالحه متوقف سازد تا از پروسه تمام شمول صلح اطمینان حاصل گردد.

### ارتقای انکشاف متوازن در سراسر افغانستان، اولویت دهی به آموزش و تقویت جوانان

گزارش حاضر فقدان انکشاف اقتصادی و عدالت اجتماعی را به حیث یکی از بزرگترین عوامل بی ثباتی تشخیص داده است. فقر، انکشاف بطی و نا متوازن در تمام مناطق توأم با بیکاری بلند و عدم توزیع عادلانه منابع، مشکلاتی اند که دولت نتوانسته است طی 12 سال گذشته به آن بپردازد.

افغانها همچنان نگرانی عمیق شان را در مورد سوء استفاده، نا موزون بودن و توزیع غیر عادلانه کمک های بشری ابراز نمودند. مردم یاد آوری کردند که نبود زیر ساخت های محلی و آرایه خدمات مانند سرک ها ، پل ها، مکاتب، و تسهیلات بهداشتی نه تنها حکومت داری با ثبات را صدمه می زند بلکه همچنان منتج به مشقت و فرسایش مردم فقیر افغانستان می گردد.

با توجه به بیکاری و به ویژه میزان روبه افزایش جوانان اینکه از حقوق مدنی شان بهره گرفته نمی توانند، گذارش در یافته است که آموزش از عناصر کلیدی برای امنیت می باشد. همانگونه که یک وکیل مدافع از ولایت لغمان چنین گفته است:

"جوانان مواد سوخت جنگ های جاری می باشند. بسیاری جوانان بیکار اند. بناءً آنها به آسانی استخدام شده می توانند (البته هدف استخدام به حیث جنگجو است)."

تاکیداتی در مورد مشکلات جوانان افغان توأم با اشتغال زایی و زمینه فعالیتهای عایداتی به حیث یکی از اولویت های ملی برای یک حکومتی که در آستانه آمدن است، توسط افغانها از نظر گذرانیده شد.

"ما یک مثل معروف داریم که ذهن آدم بی کار زمین شیطان است. ریشه مشکل در بیکاری است و بیکاری دلیل اصلی پیوستن مردم، خصوصاً جوانان به شورشیان است." یکتن از بزرگان ولسوالی علی آباد ولایت کندز

یک عضو شورای محلی در ولایت هلمند نیز اشاره کرد که خستگی مردم و تمایل آنها به توسل به خشونت در حقیقت از فقدان خدمات اولیه ناشی می شود. وی می گوید:

"کیفیت پایین آموزش، بی کاری، فقدان خدمات ضروری، مانند برق و آب برای فعالیت های زراعتی، و فقدان حکومتداری خوب عوامل منازعه هستند."

در سر تاسر کشور دیدگاه هایی مانند فوق از سوی مردم مطرح گردید.

مردان، زنان و جوانان افغان در سراسر کشور، کشت کوکنار و درگیری بر سر کنترل بر اقتصادی نامشروع را در ارتباط مستقیم با نرخ بالای بیکاری و نبود فرصت های اقتصادی، فساد در میان نهادهای دولتی، بی سوادی، آسیب پذیری جوانان نسبت به اعتیاد و نفوذ گروه های مسلح در میان جوانان آسیب پذیر و زارعین فقیر می دیدند.

مردم از دولت خواستند که بصورت فعالانه به مسئله فراهم سازی اشتغال، و سرمایه گذاری در زمینه های بدیل مانند پنبه پرداخته و تاکید نمودند که انکشاف تسهیلات آموزشی برای جوانان یکی از راه های مبارزه با مواد مخدر می باشد.

### ترویج یک پروسه صلح همه شمول و آوردن اصلاحات در بر نامه صلح و ادغام مجدد

گذارش نشان دهنده نا امیدی مردم از پروسه جاری صلح می باشد. آنها بیکه باید در فرآیند نتایج یک توافق زندگی نمایند، چشم پوشی شده اند و افغانها در مورد مشروعیت افرادی که در پروسه صلح دخیل هستند می پرسیدند.

"من به پروسه کنونی صلح باور ندارم، زیرا این پروسه توسط کسانی رهبری می شود که در گذشته یک طرف جنگ بودند. اگر صلح حاصل شود آنها چیزهای زیادی را از دست می دهند." دید گاه یک فرمانده سابق جهادی، ولایت بلخ

این دیدگاه فرمانده سابق مخالف دولت توسط مردان، زنان و جوانان در بسیاری جا های دیگر نیز یاد آوری گردید. افغانها خاطر نشان ساختند که گرداننده گان فعلی پروسه صلح نمیتوانند بدرستی به پروسه صلح کمک نمایند.

گذارش همچنان در یافته است که افغانها وسیعاً به ناکامی برنامه صلح و ادغام مجدد حکومت افغانستان پی برده اند. افغانها مایوسیت شان را از عدم شمولیت شان در هر دو بخش اعم از تحقق برنامه و نیز فقدان انکشاف محتوای برنامه ها که باید مبتنی بر توقعات مردم محل می بود بیان داشتند. افغانها اظهار داشتند که بر نامه صلح و ادغام مجدد توسط کسانی رهبری میگردد که منافع شان را در تداوم جنگ اند.

جنگجویان سابق طالب که به پروسه صلح و ادغام مجدد پیوست شده اند ، نیز نا رضایتی شان را از برنامه ، با ابراز اینکه این برنامه نتوانسته است به وعده های سپرده شده برای آنان موفق گردد و آنان را بدون حمایت برای مدت مدید رها نموده است که بنا بر همکاری با حکومت خیلی آسیب پذیر در برابر حملات طالبان می باشند ، بیان داشتند.

در مجموع افغانها اصرار داشتند که کسانی که در گیر مسئله صلح اند ، توانمندی این را ندارند که صلح را بر گردانند زیرا ایشان نظریات و همنوایی مردم عادی را با خود نداشته و بسیاری ها هم علاقه به تداوم جنگ دارند.

مردان، زنان و جوانان افغان همه یک پروسه همه شمول صلح را در خواست نمودند تا اطمینان حاصل شود که صلح مبتنی بر توقعات و خواست مشروع مردم افغانستان بوده نه فقط نخبگان و قانون شکنان. مردم همچنان از دولت خواستند تا بر نامه صلح و ادغام مجدد را بطور اساسی اصلاح نماید تا برای مردم عادی کشور نیز چنانسی در راستای ایجاد مبانی صلح واقعی به سطح محلی داده شده باشد.

### حمایت و ارتقای حقوق بشر و حقوق زنان

در تمام مباحث گفتگوی مردم ، افغانها قاطعانه اظهار کردند که تلاشهای فعال و هماهنگ در زمینه ارتقاء و حمایت حقوق بشر ، ارتقای حاکمیت قانون مبارزه بر ضد معافیت باید از اهداف مقدماتی دولت ، جامعه مدنی و بین المللی باشد. بسیاری از اشتراک کننده گان گفتگو ، آنانیکه پیرامون حقوق بشر صحبت نمودند پیرامون افزایش تعداد برنامه های آگاهی دهی حقوق بشر دادخواهی کردند تا جامعه به حقوق بشر و حقوق زنان آنچه که توسط همه سازگار با جامعه افغانی و فرهنگ آن تلقی شد، آشنا گردند.

تنها وقتی به تمام این ریشه ها و عوامل جنگ که از سالیان متمادی افغانستان را مصیبت زده ساخته است پرداخته خواهد شد (با در نظر داشت راهکار های پیشنهاد شده در نقشه های محلی برای صلح) که در آن وقت صلح و ثبات واقعی بدست بیاید.

گفتگوی مردم افغانستان پیرامون صلح شامل 33 پیشنهاد به حکومت افغانستان، مخالفین مسلح ، جامعه بین المللی و جامعه مدنی پیرامون برداشتن گامهایی که برای رسیدن به صلح دایمی در افغانستان نیاز است ، می باشد.

سفارشات 4648 تن افغان اعم از مرد ، زن و جوان که در مرحله دوم گفتگوی مردم شرکت داشتند در نقشه های محلی ولایتی برای صلح بسط یافته اند. (30) نقشه تا حالا تکمیل گردیده است.

مردان ، زنان و جوانان افغان در سرتاسر کشور بر پالیسی سازان ملی و بین المللی تا کید ورزیدند که بطور عاجل ریشه ها و عوامل کلیدی منازعات را مورد توجه قرار داده و صلح پایدار را با در نظر داشت ترکیب بر 10 اولویت زیرین ارتقاء بخشند.

## نقشه راه 10 ماده بی مردم افغانستان برای صلح

### (i) ارتقای نهاد های پاسخگوی دولتی

- فساد گسترده میان نهاد های محلی دولت (پولیس، بخش تحقیق، قضا) و پارلمان، مستلزم ارزیابی و حساب دهی قوی تر برای ارتقای بهتر نظارت این نهاد هامیباشد.
- ضرور است تا بر نامه های اصلاحی به شمول تدابیر مستقل غیر سیاسی روی دست گرفته شوند تا مسؤولین فاسد دولتی سبکدوش گردیده، برنامه های آموزشی و ظرفیت سازی را برای حکومت محلی ارتقاء بخشیده، تقرر شفاف مبتنی بر شایستگی در ادارات محلی را با اولویت بخشیدن به کاندیدا های مشروع ولایات ایکه در آن جا ها وظایف قرار دارند، تضمین کرده و راهکار های جامع اداره را معرفی نماید.
- یک نظام کار مبتنی بر مجازات و مکافات که طی آن کار های خوب مسؤولین تقدیر گردد و و آنهایکه به فساد مبادرت ورزند سرزنش شوند باید به شناسایی گرفته شود.

### (ii) استحکام بخشیدن نهاد های امنیتی

- دسترسی محدود دولت به مثابه یکی از عوامل عمده فقدان حاکمیت و عدم توانایی آن در حل مسالمت آمیز منازعات محلی در سر تاسر قلمرو دولت نگریسته شد. افغانها در کل به پیشرفت های حاصله در زمینه تقویت و اصلاحات نیرو های امنیتی افغان اذعان نموده و از میزان بلند اعتماد بالای اردوی ملی افغان گذارش دادند. هرچند افغانها مکرراً شکایات شان در مورد برخورد های تخطی گرایانه بشمول خشونت های شدید حقوق بشری پولیس ملی، پولیس محلی و ملیشه های طرفدار دولت را یاد آوری کردند.
- برای ایجاد نیرو های امنیتی مسؤول و دموکراتیک، گفتگوی مردم افغانستان، ایجاد و توسعه ماموریت های نهاد های امنیتی افغان را پیشنهاد می کند.
- افغانها از ضرورت تداوم تقویت بین المللی برای مسلکی ساختن نیرو های امنیتی پاسخگو برای مردم حمایت نموده بر نیازمندی استمرار تقویت و همکاری در تجهیز و آموزش نیرو های امنیتی افغان اصرار نمودند تا توانمندی ایرا که برای نگهداشت امنیت پس از خروج نیرو های خارجی بعد از ختم 2014 حیاتی دیده می شود تقویت نمایند.
- برای بنای اعتماد بر نیرو های ملی امنیتی افغان، مردم ایجاد یک میکانیسم نظارتی با بازتوانمند سازی مجتمعات محلی را پیشنهاد کردند تا آنها را به گذارش دهی تخطی ها ی حقوق بشری توسط نیرو های ملی امنیتی افغان، توأم با اعمال غیر قانونی شان تحت پیگرد و مجازات قرار دهد.

### (iii) خلع سلاح و خلع قدرت نمودن گروه های مسلح غیر قانونی و سایر ملیشه های طرفدار حکومت

- افغانستان بر دستور العملی تاکید ورزیدند که بر نفوذ قانون شکنان محلی و جنگ سالاران در سرتاسر نهاد های محلی حکومت پایان بخشد. مردم قاطعانه اظهار کردند که این کار صلح و ثبات را در مستوای ولسوالی تقویت خواهد کرد. افغانستان در سرتاسر مملکت از راه اندازی دو باره برنامه خلع سلاح گروه های مسلح غیر قانونی که در جنوری 2005 توسط دولت آغاز گردید و در مارچ 2011 خاتمه یافت قویاً یاد آوری نمودند.
- افغانستان تا کید ورزیدند که کشت و زرع تریاک کوکنار، قاچاق مواد مخدر و اخاذی های غیر قانونی توسط قاچاقبران مواد مخدر باعث تداوم و ابقاء منازعه در بسیاری بخش ها گردیده است. مردم بیان داشتند که عواید بدست آمده از زرع، پروسس و قاچاق مواد تریاک کوکنار و همچنان از معتادین مواد مخدر، مستقیماً گروه های اغتشاش گر و ملیشه های محلی را سود می رساند. مردم این گروه ها را بنا بر همکاری مستقیم شان در زمینه بی ثبات سازی و نا امن سازی مناطق دور دست که اقتصاد نا مشروع در آنجا رونق دارد محکوم نمودند.
- افغانستان حکومت را فرا خواندند که قلع و قمع نمودن تجارت مواد مخدر غیر قانونی و عواید ناشی از آن را با جا بجا نمودن استراتژیک نیرو های امنیتی افغان در ساحات ایکه تجارت مواد مخدر رونق دارد به منظور محدود ساختن فعالیت های اغتشاش گران و نا توان سازی گروه های مسلح غیر قانونی، در اولویت قرار دهد.

### (iv) ارتقای حقوق بشر، حاکمیت قانون و مبارزه با معافیت

- افغانستان قویاً از این امر طرفداری نمودند که دولت و جامعه بین المللی باید گام های عملی ایرا بردارند تا امنیت و مصؤونیت مردم ملکی در جریان عملیات های ضد اغتشاش تضمین گردیده و حقوق بشری ابتدایی آنها را در زمینه حمایت کند. افغانستان در مستحق بودن شان بر اینکه دارای نهاد های قوی حاکمیت قانون، شفاف، حسابه و موثر باشند و باید نقطه پایان به میراث معافیت در افغانستان گذاشته شود، خیلی اصرار داشتند.
- اکثریت کلیه افغانهاییکه در گفتگو شرکت داشتند، پیشنهاد کردند که اصلاحات در سیستم تنفیذ قانون و قضا حتماً باید در مرکز هر گونه سعی و تلاش برای ایجاد صلح پایدار باقی بماند. آنها پیشنهاد کردند که کارنامه های پرسونل کلیدی بخش عدلی باید بررسی گردیده، قوانین جامع و تغییرات در اصول رفتاری به هدف مبارزه با فساد و سوء استفاده از قدرت در بخش نهاد های عدلی توأم با نظارت کافی، انکشاف یافته و تطبیق گردد تا از استقلالیت نهاد های عدلی اطمینان حاصل شود.

### (v) ارتقای حقوق زنان و نقش آنان در اعمار صلح

در سرتاسر کشور مردم از دولت و جامعه بین المللی بطور عاجل خواستند تا تدابیر ایرا بمنظور پایان بخشیدن به اثرات نا گوار رسم و رواج های زجر دهنده عنعنوی بر علیه حقوق زنان اتخاذ نماید و برای زنان فرصت دهد تا در تمام ابتکارات اعمار صلح به معنی درست آن مشارکت ورزند.



افغانها از دولت خواستند تا بطور فعالانه برای آگاهی دهی پیرامون عرف و عنعنات زجر دهنده بر علیه زنان و دختران ، در همه مجتمعات انسانی کار نموده و نیز سعی نماید تا قانون منع خشونت علیه زنان مصوب سال 2009 را بطور کامل تطبیق نماید. بسیاری افغانها با این موافق بودند که میگفتند: " ما حتما نباید اجازه دهیم که حقوق زنان یا حقوق بشر قربانی گردد" (به حیث بخشی از هر نوع تلاش برای نایل شدن به صلح).

#### (vi) توانمند سازی جوانان از طریق فراهم سازی فرصت های شغلی و تقویت نظام آموزشی

- افغانها با نگرانی زیاد خاطر نشان ساختند که طالبان و سایر گروه های مسلح میتوانند به اسانی جوانان شیفته را که برای کار با معنی درست آن تلاش میکنند، در غیر آن استخدام کنند. مردم بر ضرورت مراکز آموزش مهارت های مسلکی و برنامه های بزرگ اشتغال زایی به شمول افزایش سرمایه گذاری در ساختمان و پروژه های انکشافی که مستلزم منابع بشری اند اصرار نمودند.
- افغانها اعم از مردان ، زنان و جوانان اصرار داشتند که نیاز است تا دولت نظام بهتر و موثرتر آموزشی را برای جوانان ایجاد نماید که شامل محتوای کافی و دروس با کیفیت باشد. افغانها تصریح نمودند که انکشاف زیربنایی آموزش کمک خواهد کرد تا دانش آموزان بیشتری را در بر گیرد.
- افغانها از دولت خواستند تا برای باز گشایی مکاتب دخترانه در آن تعداد ولسوالی هاییکه موجودیت گروپ های مسلح حق آموزش دختران افغان را از آنها سلب کرده است مصرا نه تلاش نماید .
- اطمینان حاصل نمودن از بهبود کیفیت آموزش که مستلزم ظرفیت سازی معلمین و تصویب کریکولم مدرن بشمول ساینس و تکنولوژی که برای همه سطوح متعلمین به ویژه برای ظرفیت سازی دانش آموزان مناسب باشد نیز یاد آوری گردید.

#### (vii) تحقق متساویانه انکشاف اجتماعی اقتصادی

- تمام افغانها از پیشرفت های محسوس اجتماعی اقتصادی یاد آوری نمودند، منجمله از تلاش های متوازن برای تقویت نظام آموزشی، فراهم سازی فرصت های شغلی و اطمینان حاصل نمودن از دسترسی به انکشاف متوازن به مثابه موضوع مهم برای رسیدن به صلح پایدار. اکثریت افغانها بشمول مردان، زنان و جوانان تاکید ورزیدند که با وجود برخی پیشرفت های واضح ، دست آورد ها به مقایسه ملیارد ها دالر ایکه کمک کننده گان طی دوازده سال گذشته به افغانستان مصرف کرده اند برابر نمی باشد. پیشرفت نه تنها باید به معیار کمیت خدمات سنجش گردد مانند تعداد مکاتب و شفاخانه های اعمار شده بلکه باید به کیفیت این خدمات مورد انتقاد نیز پرداخته شود.
- افغانها تاکید داشتند که فراهم سازی زمینه های اشتغال برای جوانان باید در دستور کار قرار گیرد.
- افغانها یاد آور شدند که دوام فقدان انکشاف متوازن و پایدار تاثیر شدیدی را بالای جوانان آسیب پذیر و دهقانان بی بضاعت که دو بخش مهم جامعه اند را از طریق اثرگذاری سطح بلند بیکاری و فقدان فرصتها، بیسوادی، قابلیت آماده گی برای

اعتیاد به مواد مخدر و قاچاق مواد مخدر در برخی ولایات معین استراتیژیک به بار آورده است. آنها از دولت خواستند که به طور جدی در زمینه فراهم سازی اشتغال ترکیب نموده و نیز بر انکشاف سرمایه گذاری در تسهیلات آموزشی برای جوانان به مثابه راه هایی بازدارنده مشکلات تا کید نمودند.

○ هم چنان، سرمایه گذاری دوامدار بر سکتور زراعت مانند توسعه اراضی و سیستم های آبیاری کافی برای بهبودی اقتصاد روستایی کمک می کند. شرکت های دولتی و خصوصی مانند شرکت های تولیدی نساجی، تولید فرش، تولید زرین، تولید تیل، کارخانه های لبنیات، در صورت حمایت کافی دولت، زمینه فرصت های شغلی بیشتر را فراهم می کند.

○ افغانها همچنان یاد آوری نمودند که قسمت زیاد منازعات عمومی، معمولاً از اثر مسایلی ناشی از دسترسی نا متوازن به کمک های انکشافی بروز می نماید. مردم روشنی انداختند که تمام شهروندان افغان بدون در نظر گرفتن علایق قومی، روابط سیاسی، روابط با دولت، موقعیت جغرافیایی و یا هم موجودیت منازعه در ساحات شان، با هم برابر بوده و باید از بر نامه های کمک های انکشافی بطور یکسان سود ببرند. افغانها در سرتاسر کشور برای بکار گرفتن ارزیابی کشور شمول جهت نظارت نمودن بر پروژه های انکشافی به حیث یک راهیکه موثریت کمک های انکشافی را ارتقا می بخشد، اصرار داشتند.

○ در مجموع افغانها چندین پیشنهاد اساسی را برای اینکه چگونه در مناطق آنها به انکشاف پایدار می توان رسید مطرح نمودند. با در نظر داشت خصوصیت اراضی بسیاری ولایات افغانستان، تعدادی از اشتراک کننده گان گفتگو بیان داشتند که کمک های انکشافی باید بسوی ساختمان بند های آبی برق متمرکز گردد آنچه که بنا بر بیان آنها میتواند در مبارزه با خشک سالی، فراهم سازی اشتغال و ذخیره مداوم انرژی برای ولایات شان آنها را کمک نماید.

### (viii) اطمینان حاصل نمودن از همه شمول بودن پروسه صلح

○ افغانهای عادی از طریق برنامه گفتگو قاطعانه تا کید داشتند که اطمینان حاصل نمودن از مشارکت وسیع در پروسه صلح و آشتی ملی بشمول مردان، زنان، اقلیت های قومی، جامعه مدنی و به ویژه جوانان در مرکزیت موفقیت این پروسه قرار دارد. مردم باور دارند که افزایش مشارکت این اقشار اجتماع میتواند همه شمول بودن و مالکیت محلی این پروسه را به نحو بهتر تضمین کند.

○ بسیاری از افغانها نگرانی شان را از عدم تشویق شدن جوانان بخاطر مشارکت آنها در حکومتات محلی که به عقیده آنها صلح را مخدوش می سازد، ابراز داشتند. با معرفی برنامه های تشویقی برای جوانان از طریق بر گزیدن پالیسی ها ایکه جوانان را هدف قرار دهد میتوان به مشارکت وسیعتر جوانان نایل گردید.

### (ix) تقویت میکانیزم های محلی حل منازعات

○ شرکت کنندگان یادآوری کردند که افغانها از فرهنگ قوی برای رسیدگی به منازعات و اختلافات محلی توسط شوراهای مردمی (جرگه و شوری) برخوردارند. آنها عموماً معتقد بودند که استفاده از این میکانیزم محلی حل اختلاف به روشی که

منافع مردم، به شمول زنان و گروه های اقلیت، تقویت شود، می تواند به عنوان یک فضای سیاسی و اجتماعی که در آن مردم عادی بتوانند با همدیگر و نیز با طرفهای منازعه در یک گفتگوی سازنده برای صلح تماس بگیرند، عمل نماید.

○ تعدادی از افغانها هشدار دادند که جرگه ها و شوراها نباید به عنوان حکم محکمه در موارد جدی تخطی های حقوق بشری، عمل کنند.

### (X) کنار گذاشتن مخربین صلح

○ در مورد نفوذ منفی مخربین صلح، افغانها به شدت از میکانیزم بررسی افراد بر اساس معیارهای عینی هم برای جنگجویان مسلح اسبق و هم برای رهبران روند صلح و آشتی، حمایت کردند. افغان ها در سراسر کشور بر این باورند که کسانی که در روند صلح دست دارند باید صادق، با نفوذ و در جامعه خود از احترام برخوردار بوده بصورت آزاد انتخاب و یا برگزیده شده باشند. علاوه بر این، مردم به صورت جدی سفارش کردند که افراد متهم به جرایم جنگی و جنایت علیه بشریت باید از پروسه صلح کنار گذاشته شوند.

○ افغانهاییکه در مناطق سرحدی زندگی میکنند بر دولت تاکید ورزیدند که سعی بیشتر نماید تا سرحدات افغانستان را امن سازد و از نفوذ گروه های مسلح به کشور جلوگیری کند. افغانها به حکومت ها ی همسایه مکرراً خواست شان را تکرار نمودند که پشتیبانی گروه های مسلح را با تجهیز و فراهم سازی محل آسایش برای آنان متوقف سازند.

## 1. مقدمه

گفتگوی مردم افغانستان پیرامون صلح یک ابتکار بی نظیر تحت رهبری افغان ها است، ابتکاری که در آن افغان های عادی اعم از مردان، زنان و جوانان فرصت این را داشتند تا دیدگاه های شان را پیرامون صلح پایدار، مصالحه، امنیت، انکشاف اجتماعی و اقتصادی، حقوق بشر و حاکمیت قانون در افغانستان از طریق مباحثات فراگیر بیان نمایند. با تکیه بر اعمار صلح و جلوگیری از مخاصمات، برنامه گفتگومردم، افغان ها را در محراق این فرآیند قرار داده بدینوسیله مردان، زنان و جوانان عادی را توانایی می بخشد تا آنها خودشان به دادخواهان صلح مبدل گردند. یازده نهاد / شبکه های<sup>1</sup> جامعه مدنی و کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان با تسهیل و همکاری اجرایی از جانب هیئت معاونت ملل متحد در افغانستان (یوناما) ملتزم به اجرای تمام مباحثات مردم در جریان مرحله اول و دوم گفتگوی مردم افغانستان پیرامون صلح بودند. برنامه گفتگوی مردم افغانستان پیرامون صلح از آغاز آن در اواخر 2011 تا امروز، حدود بیش از 6000 افغان اعم از مرد، زن و جوان را موفقانه با هم جمع نموده، دیدگاه های آنها را برای پالیسی سازان ملی و بین المللی استخراج، تقویت و شریک گردانیده است.<sup>2</sup>

مرحله اول گفتگوی مردم افغانستان پیرامون صلح، شامل 78 مباحث گروهی بود که در 31 ولایت<sup>3</sup> از تمام 34 ولایت افغانستان تدویر یافته بود و بیشتر از 1500 تن مرد، زن و جوان افغان از گروه های مختلف قومی و بسترهای اجتماعی - اقتصادی در آن با هم شرکت جستند.<sup>4</sup> یافته های مرحله اول ضمن یک گزارش جامع در دسامبر 2011 تحت عنوان "گفتگوی مردم افغانستان پیرامون صلح، گذاشتن مبانی برای پروسه فراگیر صلح" به نشر رسید.<sup>5</sup> خلاصه یافته های کلیدی مرحله اول گفتگومردم افغانستان نشان می دهد که مردم عادی در سراسر افغانستان چه چیزهایی را به حیث موانع نایل آمدن به صلح پایدار ملاحظه می نمایند؛ مواردی از قبیل: به وخامت گذاشتن اوضاع امنیتی، بی عدالتی، نهادهای ضعیف حاکمیت قانون، فساد گسترده، فقدان رشد اقتصادی و عدالت اجتماعی و حمایت محدود از حقوق بشر به شمول حقوق زنان و دختران .

گزارش همچنان اجماع کلی در مورد اینکه نباید بر معافیت افرادی که نقض گسترده حقوق بشر را در گذشته ای دردناک در سر تاسر افغانستان مرتکب شده اند، اصرار صورت گیرد، خاطر نشان ساخته و با پیشنهادات هدفمند صدای افغان های عادی را به

<sup>1</sup> - یک کمیته گرداننده تحت رهبری جامعه مدنی افغانستان متشکل از 12 عضو، امور هر دو مرحله 1 و 2 گفتگوی مردم افغانستان پیرامون صلح را رهنمایی و سرپرستی نمود. اعضای این کمیته عبارت بودند از: کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان (AIHRC)، مجتمع جامعه مدنی افغانستان (ACSF)، شبکه جامعه مدنی و حقوق بشر افغانستان (ACSHRN)، اتحادیه ملی کارکنان افغانستان (AMKA)، سازمان حقوق بشر و محیط زیست افغانستان (AOHREP)، شبکه زنان افغانستان (AWN)، مرکز انکشاف مهارت های زنان افغان (CSDC)، موسسه اجتماعی فرهنگی جوانان افغانستان (AYSCO)، مرکز توسعه جامعه مدنی (CSDC)، موسسه انکشافی سنایی (SDO)، گروه هماهنگی عدالت انتقالی (TJCG) و کمیته مشارکت سیاسی زنان (WPPC).

<sup>2</sup> - در جریان مرحله اول، گفتگوی مردم بیشتر از 1500 تن از افغان های عادی را در مباحث گروهی که در 31 ولایت به راه انداخته شده بود دور هم جمع نمود. مرحله دوم مشارکت 4648 تن زن، مرد و جوان را در گفتگو فراهم نمود.

<sup>3</sup> - مرحله اول گفتگوی مردم افغانستان پیرامون صلح در ولایات بامیان، بغلان، بدخشان، بادغیس، دایکندی، فاریاب، فراه، غزنی، غور، هرات، جوزجان، کابل، کاپیسا، کندز، کندهار، خوست، کنر، لغمان، لوگر، مزار شریف، ننگرهار، نیمروز، نورستان (اشتراک کنندگان به شهر جلال آباد سفر نمودند)، پنجشیر، پکتیکا، پکتیا، سرپل، سمنگان، تخار، ارزگان و زابل دایر گردیده بود.

<sup>4</sup> - تاکید صورت گرفت تا اطمینان حاصل شود که اقلیت ها و گروه های منزوی شده، زنان و جوانان و مردم مناطق دوردست و دهاتی در هر دو مرحله 1 و 2 گفتگو فعالانه مشارکت ورزند. تلاش های هماهنگ صورت گرفت تا یقین حاصل گردد که اشتراک کنندگان نمای کامل ساختار قومی ولایات مربوطه شان را تمثیل کرده باشند. مشاورت گسترده و فراگیری که در هر دو مرحله 1 و 2 گفت و شنود مردم افغانستان پیرامون صلح انجام پذیرفت، توسط همه اشتراک کنندگان مورد استقبال واقع گردید.

<sup>5</sup> - گفتگوی مردم افغانستان پیرامون صلح: گذاشتن مبانی برای پروسه فراگیر صلح، دسامبر 2011، به آدرس ذیل قابل دسترس می باشد:  
<http://www.aihrc.org.af/media/files/People%27s%20Dialogue%20FINAL%20report.pdf>.

حکومت، جامعه بین المللی، گروه های مسلح مخالف و جامعه مدنی افغانستان می رساند. گزارش همچنان جامعه مدنی افغانستان را قادر ساخت تا پیام های متنوع مردان، زنان و جوانان افغان را به کنفرانس بین المللی بن دوم در 5 دسامبر 2011 برساند و بدینوسیله تضمین نموده باشد که صدای افغان های عادی، دیدگاه ها، شکایات و خواست های مشروع شان در همه تلاش های پیش رو که توسط پالیسی سازان برای نایل آمدن به صلح پایدار در افغانستان صورت می گیرد، شنیده و ملاحظه خواهد شد.

به ادامه موفقیت مرحله نخست، مرحله دوم گفتگو در اپریل 2013 آغاز گردید. مانند مرحله اول، مرحله دوم نیز به هدف ترویج یک پروسه فراگیر، شفاف و پاسخگو برای صلح از طریق بدست آوردن نظریات مردم پیرامون مسیر آینده کشور افغانستان اجرا گردید. در مرحله دوم گفتگوی مردم افغانستان پیرامون صلح، جامعه مدنی افغانستان توانست 4648 تن زن، مرد و جوان را (با مشارکت 67 فیصدی مردان و 33 فیصدی زنان در مباحث گروهی همه شمول) در تلاش به منظور بدست آوردن دیدگاه های مردم عادی در تشخیص و دریافت محرکه های محلی و نیز راه حل های عملی برای جنگ های طولانی چندین دهه ای که آنها متحمل شده اند، وارد مباحث سازند. اشتراک کنندگان مرحله دوم، طیف وسیعی از همه اقشار جامعه افغانی را نمایندگی نموده و شامل خانم های خانه، دکانداران، معلمان، دهقانان، دانش آموزان، بزرگان و رهبران مذهبی جامعه افغانی، جوانان، مخالفین مسلح سابق (طالبان سابق) و مستفید شوندهان پروژه های انکشافی می گردید.<sup>6</sup> در حدود 200 مباحث گروهی که توسط نمایندگان جامعه مدنی افغانستان گردانده گردید، در 34 ولایت کشور تدویر یافت.<sup>7</sup> بر علاوه برای تعداد زیادی از اشتراک کنندگان فرصت داده شد تا دیدگاه های شان پیرامون صلح و آشتی را از طریق مصاحبه ها و سروی نظریات بیان نمایند.<sup>8</sup>

موضوعات کلیدی و راه حل های پیشنهادی توسط بیشتر از 4648 تن که در مرحله دوم گفتگو شرکت داشتند منتج به ایجاد 30 نقشه راه محلی برای صلح گردید.<sup>9</sup> این نقشه های محلی نقش تشخیص دهنده در خصوص عوامل و راه حل ها برای غالب آمدن بر منازعات را در هر دو سطح ولسوالی و ولایت و نیز به سطح ملی بازی میکنند.

با گردآوری نظریات شهروندان عادی افغان پیرامون مسایلی که اکثراً بر زندگی آنها تاثیر گذار است و با منعکس کردن این دیدگاه ها، گفتگوی مردم افغانستان می خواهد که پروسه فراگیر و حقوق محور صلح را ترویج نماید. این گزارش مبتنی بر تحلیل کیفی داده ها بوده و خلاصه یافته های اساسی و دیدگاه هایی را می رساند که توسط افغان ها در سرتاسر کشور بیان گردیده است. نقشه های محلی صلح که بر علاوه آن تهیه گردیده است، افغان های عادی را قادر می سازد تا برنامه روشن اعمار صلح را به ارتباط ولایات مربوطه شان برای پالیسی سازان ملی و بین المللی به همه سطوح ارایه نموده و نیز ممکن برای ایجاد مبنایی برای توافقات صلح محلی استفاده شود.

<sup>6</sup> برای مشارکت بهتر زنان گامهایی برداشته شده بود، چنانچه که ترکیب افغان هایی که در مرحله دوم شرکت داشتند، تعادل نسبتاً بهتر جنسیتی را میرساند. با در نظر داشت اینکه زنان و دختران در جوامع روستایی معمولاً از اشتراک و انتخاب در یک برنامه جامعه مدنی، به دلیل محدودیت فضای محافظه کارانه، منع می گردند، گفتگوی مردم با تدویر مجالس ویژه گفتگو برای زنان بمنظور ترویج همه شمول ساختن مجالس به این چالش رسیدگی نمود.

<sup>7</sup> مرحله دوم گفتگوی مردم در 34 ولایت افغانستان برگزار گردید و منتج به ایجاد 30 نقشه محلی برای صلح تا حالا گردیده است که شامل ولایات بدخشان، بادغیس، بغلان، بلخ، بامیان، دایکندی، فراه، فاریاب، غزنی، غور، هلمند، هرات، جوزجان، کابل، کندهار، کاپیسا، خوست، کنر، کندز، لغمان، لوگر، میدان وردک، ننگرهار، نورستان، پکتیا، پنجشیر، پروان، سمنگان، سرپل و تخار می باشد. نقشه های محلی برای چهار ولایت دیگر (نیمروز، پکتیکا، ارزگان و زابل) نیز ایجاد می گردند.

<sup>8</sup> حدود 870 تن افغان در مصاحبه های انفرادی و سروی دیدگاه ها اشتراک ورزیدند.

<sup>9</sup> قرار است ده (10) نقشه محلی صلح (از ولایات بلخ، دایکندی، فراه، کابل، کندهار، خوست، کنر، کندز، لوگر و میدان وردک) ضمن کنفرانس ملی در کابل در تابستان 2014 ارایه گردد. متباقی 20 نقشه محلی صلح دیگر بعداً در نیمه دوم سال به دسترس عامه قرار خواهد گرفت. تمام نقشه های محلی صلح به زبان های انگلیسی، دری و پشتو آماده گردیده و هدف آن آگاهی دهی پالیسی ها به سطح ولایت مبتنی بر دیدگاه ها و خواسته های مردم محل است.

## 2. محرکه های کلیدی منازعه

"اساساً سیاست مداران ما به مردم یک چیز می گویند ولی در عمل چیزی کاملاً متفاوت از آن را انجام می دهند"

-- اشتراک کننده گفتگوی مردم، ولایت کندهار

در مجموعه سلسله مباحث گروهی که در سراسر کشور تدویر یافته بود، مردان، زنان و جوانان افغان که در مرحله دوم گفتگوی مردم افغانستان پیرامون صلح شرکت ورزیده بودند، دیدگاه هایشان روی عوامل ریشه یی منازعات در مناطق شان را بیان داشتند.<sup>10</sup> نگرانی های مشخص شامل موجودیت فساد گسترده، سوء استفاده از قدرت و معافیت ریشه دار، وضعیت امنیتی رو به وخامت، کشمکش های عمیق قومی، قبیله و فرقه یی، نبود انکشاف پایدار اجتماعی و اقتصادی و موجودیت بیکاری، رقابت بالای کنترل اقتصاد غیر قانونی (کشت تریاک و خاشخاش و قاچاق مواد مخدر) و اثرات جنگ بالای جوانان بود.

نارضایتی مردم افغانستان از حکومت شان ناشی از فساد، حاکمیت ضعیف قانون و نقض گسترده حقوق بشر به مثابه عوامل ابتدایی تداوم کشمکش محسوب گردیدند. به عین شکل افغان ها در سرتاسر کشور حین پیشنهاد راه حل های محسوس، شک و تردیدشان را در مورد اینکه آیا تلاش های موجود صلح<sup>11</sup> می تواند به عدالت و صلح پایدار در ولایات شان منتج گردد، اظهار نظر نمودند.

### 1-1. فساد گسترده، سوء استفاده از قدرت و معافیت ریشه دار

در سراسر کشور مردان، زنان و جوانان افغان در مجموع فساد، سوء استفاده از قدرت و معافیت را به مثابه اساسی ترین محرکه های ابتدایی منازعه و بی ثباتی تشخیص دادند. مردم قاطعانه اظهار داشتند که فساد در همسویی با سوء استفاده از قدرت، یعنی آنچه که اشکال و سطوح مختلفی از سوء استفاده را مجسم می کند، یک مشکل فراگیر هم در دولت و هم در اجتماع در کل می باشد. یک شخص متنفذ مردمی از نهر شاهی ولایت بلخ دیدگاه خود را که در سراسر کشور یاد گردید، چنین اظهار نمود:

"فساد مانند سرطان بوده و مانند یک قاعده پذیرفته شده است. من قویاً باور دارم و متیقن هستم که هر کس در اینجا با من موافق است که این پدیده ناخوش آیند یکی از بزرگترین عوامل تداوم جنگ در کشور ما میباشد."

شخصی از شهر کندهار با بیان نواقص آشکار پروسه انتخابات ناامیدی خود از حکومت را چنین اظهار نمود:

"مردم به این خاطر انتخاب می شوند که رای را می خردند. از این رو اولویت نخستین آنها در حینی که به کار شدند این است که تا هر اندازه زیاد پول بدست آورند (تا مصارف انتخاباتشان را جبران کنند). تنها بعد از آن، ممکن برای شهروندان کار کنند."

پیرامون فساد در ادارات قضایی یک اشتراک کننده مرد دیگر از کندهار بیان داشت:

<sup>10</sup> میتودولوژی بکار گرفته شده در هر دو مرحله 1 و 2 گفتگوی مردم، روش های مختلف تحقیق پیرامون صلح به شمول مباحث گروهی، مصاحبه های اختصاصی انفرادی با اشخاص و سروی دیدگاه ها را با هم ترکیب نموده است.

<sup>11</sup> مانند برنامه صلح و ادغام مجدد افغانستان (APRP). برای معلومات بیشتر پیرامون دیدگاه مردم راجع به APRP به بخش 2-6 به صفحه (17) مراجعه شود.



"سیستم قضایی ما کاملاً فاسد است. مجرمین آزادند و بیگناهان در بند."

یک خانم خانه از ولسوالی خنجان در ولایت بغلان به عین شکل خاطر نشان ساخت که چگونه مرتکبین از معافیت تمام بهره میبرند:

"پسر 23 ساله من در جریان جنگ میان قوماندانان جهادی در ولسوالی خنجان کشته شد. با وجود اینکه مرتکب آن را می شناسم ولی هیچ کاری کرده نمی توانم. یگانه امید من این است که حکومت وی را تعقیب خواهد نمود."

بنا بر ملاحظه موجودیت فساد گسترده در نظام، تعداد زیادی از کسانی که در گفتگوی مردم شرکت داشتند، رابطه میان فساد گسترده، حاکمیت قانون و قضا را خاطر نشان ساختند. به طور مثال یک معلم مکتب از ولسوالی ارگوی ولایت بدخشان توضیح داد:

"مردم موقعی به عدالت می رسند که مرتکبین بنا بر جنایات شان مجازات شوند. معافیت در افغانستان باید خاتمه یابد و ما مردم باید در برابر آن مجرمینی که در گذشته مرتکب جنایات شده اند و آزاد گشت و گذار می کنند، بایستیم. معافیت پیامد منفی داشته در حقیقت تقویت روحی مرتکبین را بار می آورد تا مجدداً مرتکب جرم شوند. مجازات نمودن مرتکبین می تواند به مثابه بازدارنده قوی عمل نماید تا آنکه دیگران نتوانند جرأت انجام آن جرایم را نمایند."

در سراسر افغانستان مردم دیدگاه شان را بیان داشتند که فساد "راه نفوذ" را پیشکش می کند و معافیت یک امریست که فساد محصول مستقیم آن، به طور مثال، در سیستم قضایی است. آنها از یک میراث دوامدار معافیت یادآوری نمودند که شامل هر دو نوع جرایمی که در گذشته ارتکاب یافته و آنهایی که در این اواخر اتفاق افتاده، می گردد. افغان ها توضیح دادند که مسؤولین حکومت به شمول پولیس، خرنوالی و بخش قضا بنا بر عدم مجازات مرتکبین، همه به طور یکسان در اشاعه فرهنگ معافیت مسؤول اند. در زمینه این میراث معافیت، یکتن از بزرگان دینی در ولایت فاریاب چنین اظهار داشت:

"علت عمده کشمکش به ویژه در سطح ولسوالی (مامورین محلی) حکومت است. در بسیاری از ولسوالی ها در سرتاسر ولایت فاریاب، مسؤولین محلی دولتی وظایف شان را به طور مناسب و طوری که لازم است، اجرا نمی کنند، آنها تا انتهای درجه فاسدند. وقتی که زمین مردم عادی توسط قانون شکنان غصب می گردد، مسؤولین دولتی محلی به شکایات ما گوش نمی دهند. به طور مثال تصمیم گیرندگان در ولسوالی قیصار دو شخص قانون شکن بوده (هر دو نمایندگان پارلمان هستند) آنها قیصار را به دو بخش تقسیم کرده اند. مسؤولین ولسوالی نمی توانند و نمی خواهند به تصامیم آنها مداخله کنند."

اکثریت قابل توجه مردم افغانستان، رشوت ستانی، اختلاس و خویش و قوم پرستی را به مثابه رفتارهای معمولی تقریباً در همه سطوح حکومت به ویژه در ادارات تنفیذ قانون و نظام قضایی برجسته ساخته گفتند که این موارد نهادها را در ارائه خدمات مشروع برای مردم غیر موثر گردانیده و در نتیجه فاصله قابل ملاحظه ای را بین افغان ها و حکومت ببار آورده است. یک عضو اتحادیه کارکنان ملی جلال آباد توضیح داد که چگونه ناامیدی از نظام، جنگ را دامن می زند و مردم را بسوی شورش می کشاند:

"ادارات قضایی و عدلی تنها مردمی را که پولدارند، حمایت می کند. یکی از کارگران ما با یک جنگ سالاری که خانه اش را قبضه کرده بود، منازعه ای داشت. کارگر مذکور همه اسناد مقتضی را که ملکیت وی را تثبیت می نمود با خود

داشت و در حالیکه هر سه محکمه جدا گانه به نفع وی حکم کردند، ولی مذکور تا هنوز نتوانسته خانه اش را دوباره بدست آورد. او افغانستان را ترک نموده و با طالبان پیوست. او میخواهد تا در مقابل آن جنگ سالار انتقام بگیرد."

به عین شکل تقریباً تمام اشتراک کنندگان اظهار داشتند که امتیاز دهی و کاغذ پرانی در نهادهای قضایی، اعضای جامعه را وادار می سازد تا راه های بدیل دیگری را برای حل قضایای مدنی و جنایی شان، به شمول مراجعه به میکانیزم های محلی حل منازعات و یا محاکم طالبان که در محلات شان فعالیت دارند، جستجو نمایند. یک دهقان از ولایت کنر چنین بیان داشت:

"مردم برای حل قضایای مدنی و جزایی شان به شوراهای محلی تمایل دارند و این چیزی است که یک تصور منفی را نسبت به اعتبار نهادهای عدلی ایجاد می نماید."

یک تن از باشندگان قلعه نو ولایت بادغیس به این نکته موافق بود که:

"دلیل دیگری که (مردم طالبان را حمایت می کنند) حکومت داری ضعیف می باشد. مردم حینی که کار به فعالیت حکومت مربوط می شود، امیدی ندارند و بجای آن به محاکم طالبان می روند."

یک نماینده موسسه غیر دولتی در ولایت لغمان اظهار داشت:

"انتخاب دیگری وجود ندارد مگر اینکه برای حل منازعات به محاکم طالبان مراجعه صورت گیرد."

اشتراک کنندگان انتقاد شدیدی را نسبت به دولت در خصوص مقرری های ناسالم مبتنی بر روابط در دفاتر حکومتی در سطح ملی و محلی برشمردند؛ آنچه که آنها عقیده داشتند که به مثابه یکی از علل نارضایتی مردم از حکومت نقش بازی می نماید. در ولایت دایکندی فساد اداری به مثابه یک شکایت فراگیر از نظام، بخصوص در محدوده ادارات قضایی، نگریسته می شود. اشتراک کنندگان ولسوالی شهرستان ولایت دایکندی توضیح دادند که:

"حکومت فاسد میان گروه های قومی متکثر افغانی تبعیض قائل می شود، در اینجا سیستم مقرری مبتنی بر شایسته سالاری در دفاتر وجود ندارد. نقض سیستماتیک حقوق بشر ادامه دارد و فقر و فرهنگ معافیت منبعث از آن باعث منازعات محلی می گردد."

یک وکیل مدافع از ولایت دایکندی چنین بیان داشت:

"نظام ضعیف و فاسد عدلی امنیت را صدمه زده و در نتیجه جنگ را مشتعل تر می سازد."

یک ژورنالیست از دایکندی چنین تایید می کند:

"وقتی که نظام عدلی به طور لازم کار نمی کند، انتقام جویی را میان ما پرورش می دهد."

به همین منوال، روی صحبت در مورد پروسه استخدام در مقرری های حکومت، یک ژورنالیست از ولایت فاریاب اظهار داشت:

"پروسه استخدام حکومت بخودی خود فاسد است. مردم از سطح ولایت به کابل می روند و کرسی های دولتی را خریداری می نمایند. و آنگاه که آنها وظایف را بدست آوردند، ایشان باید برای مردمی که در کابل آنها را گماریده اند رشوه بگیرند تا اینکه بر همان چوکی ها باقی بمانند."

همچنین یک قوماندان سابقه جهادی در ولایت پنجشیر ناراضیتی خود را مبنی بر ایجاد فاصله رو به افزایش نسبت به اعتماد بین مردم و حکومت چنین اظهار داشت:

"بافت اجتماعی-سیاسی جامعه از وقت جهاد تا حالا تغییر کرده است. در گذشته تنها یک رهبر، احمد شاه مسعود، وجود داشت ولی حالا ما چندین رهبر داریم که همه ایشان قبل از این که به ما منحیث مردم بیانیدند، تنها به فکر منافع خودشان هستند. رهبران کنونی ما از مشکلات جامعه خبر ندارند و حتی آنها با ما حرف هم نمی زنند."

یک فعال جامعه مدنی از ولایت هلمند با این موضوع موافق بود که:

"نخستین و اصلی ترین عامل جنگ فاصله موجود میان حکومت و مردم است. متأسفانه که این فاصله سال به سال بیشتر می شود."

دیدگاه هایی نظیر آنچه بیان گردید در مباحث سراسر کشور مطرح گردیدند. همچنان تعداد وسیعی از اشتراک کنندگان گزارش دادند که فساد در ادارات مربوط منجر به توزیع نامتناسب منابع و رسانیدن نامساویانه کمکهای انکشافی گردیده است. این مسئله منازعات درونی و همگانی را تشدید می کند چنانچه یک تن از فعالین مدنی در ولایت لغمان چنین توضیح داد:

"دزدی بودجه برنامه همبستگی ملی (NSP)<sup>۱۲</sup>، توسط بزرگان و یا اختصاص یافتن منابع پروژه ها به ساحاتی که منافع شخصی اعضای شورا در آن وجود دارد، کشمکش های از قبل موجود را میان اقوام و جوامع تشدید می بخشد."

یک تن از اعضای شورای ولایتی ولایت هلمند مثال زیر را در مورد ادارات قضایی بیان نمود:

"من مردمی را دیدم که بخاطر سرقت بایسکل چندین سال زندانی شد. برعکس آن، یک قاتل آزاد شد. مردم نمی توانند چنین فساد را اندازه گیری کنند و برخی از آنها بنا بر ناامیدی و انزجارشان از توقیف شدن های غیر قانونی از سوی نظام عدلی به گروه های مسلح پیوستند. در اینجا همچنان ادعاهایی بر علیه ولسوالان وجود دارد ولی هنوز این افراد کرسی های دولتی شان را حفظ کرده اند. حکومت از فساد آنها چشم پوشی می کند. در داخل نظام ما نیروهای پر قدرتی وجود دارند که می خواهند فرهنگ معافیت را زنده نگه دارند."

افغانها قویاً شکایت داشتند که فساد چگونه اجرای نامساویانه قانون را تقویت می کند. یک مرد تحصیل کرده در ولایت کندهار به طور نمونه ملاحظه برخورد دو گانه را در مجازات آشوب گرانی که مرتکب نقض حقوق بشر و دیگر جرایم شده بودند، چنین بیان داشت:

<sup>۱۲</sup> برنامه همبستگی ملی (NSP) در سال ۲۰۰۳ توسط وزارت احیاء و انکشاف دهات ایجاد گردیده بود.

"کوچکترین جوان از میان مخالفین و جنگجویان مجازات و به زندان افکنده می شوند، اما در مقابل، قوماندانان بزرگ و بسیار جنایت پیشه تر زور داشته و چنان نفوذ دارند که می توانند برای خود "بسته تقاعد" را از طریق مذاکره بدست آورند- ممکن یک وظیفه پر درآمد در کابل بدست آورده و یا بحیث مذاکره کننده در پروسه صلح مطرح شوند."

یک اشتراک کننده دیگر از کابل همچنان عدم تطبیق یکسان قانون را به مثابه یک نگرانی عمده مورد انتقاد قرار داد:

"عدم تطبیق قانون توسط مقامات حکومت، نقض قانون توسط هر سه قوه دولت (حکومت، پارلمان و قضا) و عدم تطبیق یکسان قانون بالای تمام شهروندان افغان نگرانی های اصلی ما است. قانون بالای مردم فقیرتر تطبیق می گردد ولی هیچگاه در خصوص پسر یک وزیر به طور مثال تطبیق نمی شود. در اینجا به طور واضح فقدان عدالت اجتماعی در افغانستان وجود دارد. حقوق بشری افراد اقتضای حمایت دولت را می کند."

با بازتاب دادن مشکلات، گرداننده یک مدرسه محلی در ولسوالی الیشینگ ولایت لغمان، میکانیزم نظارتی را برای مبارزه با فساد گسترده چنین مطرح نمود:

"یک کمیسیون مستقل متشکل از وزارت خانه های مختلف باید ایجاد گردد تا نهادهای دولتی را نظارت نماید. این کمیسیون باید مفتشین و یا اشخاصی را استخدام نماید که معلومات را در مورد فعالیت های غیر قانونی (فساد) که مسؤولین در آن درگیر باشند، جمع آوری نمایند."

با وجود بیان تمام شکایات، چند تن از افغانها که در مباحث شرکت داشتند از مشاهده امانت داری و گران مایه گی برخی مسؤولین حکومت یاد آوری نمودند. به طور مثال یکی از فعالین جامعه مدنی در ولایت کندهار چنین اذعان نمود:

"در اینجا همچنان اشخاص لایق، صادق و توانمند در حکومت وجود دارد. ما باید آنها را شناسایی و تشویق نموده با آنها همکاری نماییم، اما آنها تعداد اندکی اند."

به همین گونه فعالین مدنی در ولایت کندهار نسبت به مشکلات شایع شده در نهادهای حکومتی افغانستان، در دیدگاه شان با طرفداری از اعتماد سازی فزاینده و رو به رشد بین جامعه مدنی و حکومت در کل خیلی نگرش سازنده داشتند:

"بخشی از این بی اعتمادی به این دلیل است که حکومت با نقش و فعالیت های بازیگران غیر دولتی در یک جامعه دموکراتیک آشنایی ندارد. ما باید تماس های خود را از دیاد بخشیده، یکدیگر را بشناسیم و برای اعمار روابط سازنده کار کنیم."

## 2-2. وضع امنیتی رو به وخامت

مردان، زنان و جوانانی که در گفتگو اشتراک داشتند، وضع امنیتی شان را کمتر به موثریت نهادهای دولتی نسبت می دادند. با عطف توجه به میزان بالای تلفات ملکی، تقریباً تمام افغانها در مباحث گروهی خاطر نشان ساختند که وضعیت امنیتی بتدریج در تمام کشور بدتر گردیده است، به ویژه وقتی که با تجربه مرحله نسبتاً آرام پس از سقوط رژیم طالبان مقایسه گردد (اواخر 2001 الی 2006). بعد از شایع شدن فساد و حاکمیت ضعیف قانون، اکثریت اشتراک کنندگان مرحله دوم گفتگوی مردم، وضعیت امنیتی

رو به وخامت و ازدیاد تلفات ملکی در سرتاسر کشور را به مثابه تهدید دوم برای صلح و ثبات و حمایت حقوق بشر در افغانستان تلقی نمودند.

## نبود نیروهای موثر امنیتی افغان

اشتراک کنندگان گفتگوی مردم، ابتدا مستولی شدن ناامنی را به عدم موثر بودن در هر دو زمینه کمی و کیفی نیروهای امنیتی افغان، انتقال قبل از وقت مسؤولیت های امنیتی از نیروهای بین المللی به نیروهای امنیتی افغان و افزایش آزردهی مردم نسبت به دولت و نیروهای طرفدار آن نسبت دادند. این چنین آزردهی ها از آنچه که اشتراک کنندگان آن را سوء استفاده ها و عملکردهای غیر عاطفی می نامیدند، ناشی می شود که هم توسط نیروهای امنیتی افغان، به شمول پولیس ملی افغان، پولیس محلی و ملیشه های محلی، و هم توسط نیروهای بین المللی، ارتکاب یافته است.<sup>13</sup> یک محصل پوهنتون از ولایت کندز روابط میان دولت و ملیشه های طرفدار آن را چنین بیان داشت:

"حکومت نمی خواهد این ملیشه های استفاده جو را متوقف سازد زیرا از آنها می شود بر ضد شورشیان استفاده صورت گیرد. به آنها معاش داده نمی شود و سلاح هم از خودشان است، بدینگونه به تناسب نیروهای امنیتی افغان این خیلی کم هزینه است برای دولت که آنها را استعمال کند."

یکتن از بزرگان از یک ولسوالی دور افتاده کندهار سوال خود را چنین مطرح نمود:

"یا در اینجا کدام فرقی میان نیروهای امنیتی افغان و طالبان وجود دارد؟ آنها هر دویشان بی رحم اند. دولت ما را از طرف روز استعمار می کند و طالبان ما را از طرف شب به رعب می اندازد. هیچ جانبی حقوق ما را رعایت نمی کند."

نظرات مشابه در جریان مباحثه با مردان، زنان و جوانان در سرتاسر کشور اظهار گردید. مردم نگرانی هایشان را مکرراً بیان داشتند که فکر می کنند در بین شورشیان از یکسو و بین قوت ها و نمایندگان دولت از طرف دیگر در دام افتاده اند. البته اخیر الذکر به ویژه برانزده تر گردید که تنها بخود خدمت می کنند و از کار برای منافع مردم عاجز مانده اند.

## دولت در داخل دولت

در تمام ولایاتی که ناامنی گسترده تهدید برای جوامع محلی ملاحظه گردید، افغانها مداوماً به عدم حضور حکومت در محلات دور افتاده، ناامن و یا مورد منازعه، به مثابه عامل کلیدی منازعه اشاره نمودند. عدم توانایی دولت در تامین میزان کافی نیروهای ملی امنیتی در بسیاری از بخش های کشور آنچه را که خلای امنیتی نامیده میشود، بوجود آورده است. مردم بیان داشتند که عدم حضور نیروهای امنیتی افغان به ظهور دوباره طالبان و گروه های مسلح غیر قانونی سوء استفاده جو در این محلات منجر شده است. خانمی از ناحیه تالقان ولایت تخار راجع به وخامت امنیت در سراسر کشور و نیز بی اعتمادی مردم به دولت چنین بیان داشت:

<sup>13</sup> قابل تذکر است که اردوی ملی افغان از جانب اشتراک کنندگان بطور وسیع به نیکی نام برده می شد.

"دلیل عمده تداوم جنگ، فعالیت های شورشی، جانبداری مردم از شورشیان و نبود اعتماد بین حکومت و شهروندان می باشد. مردم عادی افغانستان مجبورند که بر خلاف میل خود از مخالفین حمایت کنند زیرا مطمئن نیستند که دولت از آنها در مقابل طالبان محافظت خواهد کرد."

در بسیاری بخش های ناامن کشور ضمن مباحثات، افغانها ترس شان از نفوذ طالبان را برملا ساخته، افزودند که ناکافی بودن نیروهای امنیتی دولت را وادار کرده تا به ملیشه های محلی بدنام که با بسیاری از دستگاه های دولت ارتباط قوی دارند، به مثابه منبع بیرونی برای تامین امنیت شهروندان بنگرد. این عارضه از سوی اشتراک کنندگان در ولایت کندز به حیث آنچه که منتج به ایجاد "دولت در بین دولت" می توان گفت، مطرح گردید- جایی که قانون به عوض تطبیق در سطح ولایتی و یا ملی به سطح محل تطبیق می گردد. همچنان عین نظریات در مناطق دیگر کشور بیان گردید. یک تن از فعالین مدنی ناامیدی خود از آثار زیان بار ازدیاد قوت های مسلح ملیشه بر وضع امنیتی بادغیس را برجسته ساخته و گفت:

"بزرگان قومی گروه هایی را برای منفعت شخصی شان ایجاد نموده اند. بدین ترتیب کشمکش میان قبایل افزایش یافته و به تدریج به نقطه ای می رسد که این گروه ها به گروه های مسلح در کوه ها (مانند طالبان) می پیوندند."

یک بزرگ قومی از ولسوالی سید خیل ولایت پروان راجع به ازدیاد گروه های مسلح و رقابت آنها بالای قدرت در منطقه اش چنین صحبت نمود:

"افراد مسلح غیر قانونی در هر جا وجود دارند ... آنها صلح را نمی خواهند زیرا در آن صورت قدرت خود را از دست خواهند داد. به همین دلیل آنها جنگ را میان جوامع خلق می کنند. این یک حقیقت ناخوشایند است و محدود کننده واقعی صلح میان جوامع ما است. تا وقتی که این گروه ها حذف نشوند، صلح به حیث یک رویا باقی خواهد ماند."

مسلح سازی و قدرت دادن به ملیشه های محلی و نیز توأم شدن جنگ های محلی با منازعات وسیع تر و همچنان فقدان حساب دهی در برابر همه نقض های حقوق بشری که توسط این گروه های مسلح غیر قانونی ارتکاب یافته، به حیث عوامل عمده جنگ های مسلحانه در سراسر افغانستان در مباحث شمرده شدند. مردان، زنان و جوانان افغان مکرراً متذکر شدند که پالیسی واگذار کردن امنیت به نیروهای قراردادی یکی از بزرگترین اسباب کمبود اعتماد میان مردم و حکومت است.

## انتقال قبل از وقت مسؤولیت های امنیتی

مسئله خلای امنیتی نیز در زمینه آنچه که افغانها آن را "انتقال قبل از موقع مسؤولیت های امنیتی" از نیروهای بین المللی به نیروهای ملی امنیتی افغان می نامند و همچنان بی باوری ناشی از یکباره مطرح شدن خروج نیروهای بین المللی در اخیر 2014 از افغانستان، بازتاب یافت. افغانهایی که در گفتگو شرکت داشتند در مجموع به این نظر بودند که کاهش حضور قوای بین المللی و انتقال مسؤولیت ها از قوای بین المللی توأم با تعلیمات عالی و تجهیزات پیشرفته زمینی و هوایی آنها، به نیروهای امنیتی افغان که از لحاظ تعداد، توانایی جنگی و حمایت هوایی محدود می باشند، یک خلای امنیتی را به بار آورده و گروه های مخالفین را جرأت می بخشد. گروه های مسلح مخالف دولت از این خلای امنیتی از طریق تبلیغات شان استفاده نموده و یک پیروزی آسان بر نیروهای ناآماده ملی امنیتی افغان را پیش بینی می کنند. به طور مثال، ضمن مباحث گروهی در میدان وردک این موضوع بیان گردید که به دنبال انتقال مسؤولیت های امنیتی و خروج جنجالی نیروهای ویژه آمریکایی از ولسوالی نرخ، شورش در آنجا انرژی تازه را به



دست آورد. اشتراک کنندگان از ولایت فاریاب به عین شکل عدم اطمینان شان را در قبال خروج قوای بین المللی که به زعم آنان تاثیر منفی بالای نیروهای امنیتی افغان و روحیه شهروندان عادی داشت بیان داشتند؛ چنانچه توسط یک تن از اعضای شورای زنان فاریاب بدینگونه توضیح داده شد:

"خروج نیروهای بین المللی از فاریاب روحیه گروپ های مسلح فعال در فاریاب را تقویت نمود. از آن وقت به بعد گروپ های مسلح خود را تنظیم نمودند تا مناطق بیشتری را تحت نفوذ خود در آورند. بنابر حضور و نفوذ طالبان در سرتاسر ولایت فاریاب در بسیاری از قریه جات مردم از مقررات آنها اطاعت می کنند."

همچنان مردان، زنان و جوانان افغان تاثیرات منفی دیپلماسی مردمی ضعیف دولت را پیرامون خروج قوای بین المللی، چنانچه که در سخنان یکتا از اساتید پوهنتون بیان گردید، اظهار داشتند:

"برخی اوقات سیاست مداران و پالیسی سازان اعم از بین المللی و غیر آن شرایط امنیتی را بدتر می سازند. به طور مثال آنها مردم را از بازگشت طالبان در سال 2014 که قوای بین المللی افغانستان را ترک می کنند، هشدار دادند. چنین دیدگاه هایی روحیه گروه های مسلح را (در فاریاب) تقویت نمود و مردم عادی را هراسان ساخت."

## بی اعتمادی روز افزون

از فاصله روزافزون بی اعتمادی بین مردم و دولت افغانستان به عنوان یک عامل عمده ناامنی و بی ثباتی در سراسر کشور قویاً یاد گردید. اشتراک کنندگان گفتگودر سراسر کشور نگرانی عمیق شان را از ناامیدی رو به افزایش مردم از حکومت در نتیجه سوء استفاده ها و عملکردهای بی احترامانه نیروهای امنیتی افغان، به شمول نیروهای پولیس ملی، پولیس محلی، ملیشه های طرفدار دولت و نیز نیروهای بین المللی، اظهار داشتند. آنها تخطی ها و نقض های زیاد حقوق بشری، به شمول قتل ها، شکنجه، توقیف های خود سرانه و اخاذی های غیر قانونی را که توسط این نیروها صورت گرفته و در مقابل از معافیت برخوردار گشته اند، یکایک برشمردند. یک بزرگ قومی از ولسوالی نورگرام ولایت نورستان ادعا نمود که یک پولیس ملی که شخص محلی را به قتل رسانیده بود تا هنوز بر وظیفه اش دوام می دهد:

"یک افسر پولیس ملی مردی را بنا بر دشمنی شخصی در فاصله 40 متری مرکز پولیس نورستان به قتل رسانیده بود. افسر مذکور گرفتار و برای دو روز نگهداری شد ولی با 12 میل اسلحه فرار نمود و از آن موقع با طالبان یکجا شد. بعدها دولت وی را برای ادغام به پروسه صلح دعوت نمود. افسر مذکور حالا به دولت پیوسته است و بحیث یک افسر پولیس ملی دوباره ایفای وظیفه می کند."

یک فعال حقوق زن در شهر پلخمری ولایت بغلان به عین شکل نگرانی خود را از پولیس محلی افغان بیان نمود:

"پولیس محلی افغان در پلخمری به تخطی های حقوق بشر مانند اختطاف، اخاذی، گرفتن عشر (مالیات غیر قانونی) از مردم، لت و کوب و تهدید مبادرت می ورزد. این مسایل منازعات را مشتعل تر ساخته و بدبینی را در بین مردم افزایش می دهد."

افغان ها همچنان از عملیات های شبانه، بمباردمان های هوایی و تلاشی خانه ها که معمولاً توسط قوت های خارجی به طور بی رویه صورت می گیرد و منجر به قتل های غیر قانونی، گرفتاری های خودسرانه و تخریب ملکیت های مردم گردیده و در مقابل به عمیق سازی احساس ترس و دشمنی در بعضی جوامع در برابر نیروهای بین المللی کمک می کند، شاکی بودند. همانگونه که به این موضوع توسط بزرگان قومی ولسوالی سید آباد ولایت میدان وردک در مورد ادعاهای جنجالی اخیر مبنی بر دخیل بودن نیروهای بین المللی در ناپدید سازی های اجباری، گرفتاری های غیر قانونی، شکنجه مردم ملکی در ولسوالی های نرخ، میدان شهر و جلریز ولایت میدان وردک اشاره صورت گرفت:

"قوای بین المللی عملیات های شبانه را انجام می دهند. آنها نه به فرهنگ و نه به عنعنات ما احترام می گذارند. موقعی که آنها می خواهند یک منزل را در یک قریه تلاشی کنند، همزمان ده ها خانه دیگر در اطراف آن متحمل زحمت می شوند و در خاتمه هم چیزی بدست نمی آورند."

## 3-2. منازعات، قومی، قبیله‌ای و فرقه‌ای

در سراسر گفتگوی مردم، مردان، زنان و جوانان افغان نگرانی جدی شان را نسبت به عمیق شدن دشمنی قومی، قبیله‌ای و فرقه‌ای که محرک ناامنی و بی ثباتی در ساحات شان است، ابراز داشتند. مردم به این باور بودند که کشمکش های قومی، منازعات قبیله‌ای و جنگ های فرقه‌ای ظرفیت جنگ های وسیعتری را میان دولت و مخالفین مسلح به وجود می آورد؛ ضمن اینکه هر یک از دو طرف در جستجوی ایجاد متحدین، یکجا کردن قدرت شان، انباشتن سلاح و بسیج کردن قوت هایشان برای به تحلیل بردن رقیبان شان هستند. طوری که بسیاری مردم بیان داشتند، تا حدودی به دلیل فرسایش اقتدار مرکزی دولت، چنین اختلافات محلی استمرار یافته و تعداد آن افزایش یافته است. افغان ها دیدگاه شان را چنین برشمردند که مسؤولین حکومتی محلی از مداخله عاجز مانده و یا هم مردم آنها را در منازعات سمتی مستقیماً دخیل می بینند. علاوه بر این، در نبود میکانیزم های محلی قوی و قانونی حل منازعات، معلوم شده است که گروه های مسلح و قانون شکنان محلی با جانبداری از یک جانب درگیر در هر یک از منازعات، از این وضعیت نفع می برند و نفوذ شان را بر ساحه گسترش می بخشند. چنانچه یکی از متنفذین قومی پنجشیر توضیح داد:

"منازعات زیادی ناشی از کشمکش های قومی بوجود می آیند. طالبان با فرصت طلبی با حمایت نمودن از یک گروه قومی برای جنگیدن با طرف دیگر استفاده می کنند. خوشبختانه در ولایت پنجشیر ما همه از یک قوم (تاجیک) هستیم ولی در مناطق دیگر مردم بسیار زیاد از هم جدا شدند."

با اشاره به ولسوالی های شهرک و تیوره ولایت غور، یک خانم خانه اظهار داشت که منازعات داخل یک قوم نیز پدیدار می گردد:

"مسایلی قومی میان قوم پهلوان و چستی (هر دو تاجیک) در شهرک و تیوره بیشترین کشمکش میان مردم در هر دو ولسوالی را ایجاد نموده است."

اشتراک کنندگان در مجموع به این نظر بودند که این گونه منازعات قومی و قبیله‌ای معمولاً بنا بر آزدگی ها در ارتباط عدم تعادل در حضور در دستگاه حکومت محلی، تقسیم نامتناسب و ناعادلانه منابع و یا به دلیل حس معمولی نفرت و ترس که تا حدودی از خاطرات تلخ مخالفت های گذشته سرچشمه میگیرد، ناشی می شوند. چندین قضیه کشمکش های ویران گر که منتج به کشتار،

زخمی شدن و در برخی حالات باعث قتل های جمعی و بیجا شدن مردم گردیده بودند، توسط مردان، زنان و جوانان برشمرده شدند. مثال های مشخص برشمرده شده شامل: جنگ میان قوم هزاره و پشتون در ولسوالی خاص ارزگان ولایت ارزگان، کشمکش مابین هزاره و کوچی ها بالای مراتع در ولسوالی بهسود ولایت میدان وردک و منازعه قومی میان اقوام کوشتر و مردم قریه جات کامدیش بالای زمین در ولسوالی های کامدیش و برگ متال ولایت نورستان بودند. یکی از بزرگان قومی توضیح داد که چگونه کش دادن یک منازعه قومی و قبیلوی منتج به تحمل انبوهی از مشقات انسانی و ناامنی گردیده می تواند. مذکور قضیه ولایت نورستان را متذکر میشود:

"منازعه میان اهالی قریه جات کوشتر و کامدیش از دوران قبل از طالبان وجود داشته و تا هنوز حل نگردیده است. در یک رویداد مردم کامدیش قریه کوشتر را آتش زدند و تمام آن در آتش سوخت. این روزها مردم کوشتر در بخش دیگر کشور جا بجا شده اند."

## رقابت های منفی سیاسی

در پیوست نزدیک با کشمکش های قومی و قبیلوی، آنچه که مردم در گفتگوی شان آن را "رقابت سیاسی منفی" ناشی از خاطرات دشمنی و رقابت های گذشته بر سر قدرت و منابع میان جریانات سیاسی تعبیر کردند که به شکل بخشی از جهاد در دوران تجاوز شوروی در 1980 و نیز مقاومت در برابر حاکمیت طالبان که در اواسط ده 1990 ظهور نمود، می توان بر شمرد. مردان، زنان و جوانان افغان خاطر نشان ساختند که درگیری بین جریانات سیاسی جهادی مشروعیت دولت در مناطق شان را به شدت زیر سوال برده است.

یک تن از بزرگان مردمی تاثیر منفی رقابت سیاسی را با یاد آوری یک رویداد در 2012 به اساس کشمکش های دیرینه میان حزب جمعیت اسلامی و حزب اسلامی در ولسوالی ارگو ولایت بدخشان اینگونه شرح داد:

"زمانی که یک تن از شخصیت های حزب اسلامی از ولسوالی ارگو تبدیل گردید، طرفداران وی که در حدود 500 تن بودند در برابر دفتر ولسوال مظاهره نموده، مانع ورود وی به دفترش شدند. این وضعیت چندین هفته دوام پیدا کرد و طرفداران حزب اسلامی مردم را از ورود به دفتر ولسوال مانع می کردند. وضعیت بی نظم بود و مردم همه نگران بروز جنگ میان طرفداران دو جناح بودند."

یک اشتراک کننده مرد از ولسوالی قره باغ ولایت غزنی بیان نمود که چند پارچگی سیاسی چگونه خود را در نمایندگی سیاسی، تقسیم منابع و فرصت های کاری نمایان ساخته و به مثابه محرک منازعه عمل می کند:

"عدم مساوات در نمایندگی سیاسی همچنین یکی از اسباب منازعه می باشد. قبایل معینی دسترسی بیشتر به چوکی های دولتی دارند. از آنجایی که دیگران حضور سیاسی ندارند بنا بر آن فقیر مانده اند. مسؤولین دولتی منابع را مساویانه تقسیم نمی کنند؛ آنها مردم خودشان را ترجیح داده و خشونت های بیشتر را دامن می زنند."

اشتراک کنندگان در تمام کشور باور داشتند که با وجود درگیری دسته های مسلح، که از درگیری های بزرگ به منازعات محلی میان گروه های رقیب تغییر پیدا کرده، وفاداری به جریانات یک عامل جدی تفرقه هنوز باقی مانده است. در سطح اجتماع، این چنین منازعات معمولاً به شورش کامل تحت رهبری طالبان تبدیل شده است. افغان ها همچنان قاطعانه اظهار داشتند که قوماندان

جریانات از بین رفته جهادی، هنوز سلاح ها و افراد خود را نگه داشته اند و هرگاه در انزوا قرار گیرند، تهدید شوند و یا اسمشان از لیست پرداخت معاش دولت پاک گردد، به حمایت از طالبان ملیشه ها را بسیج می کنند. یک عضو شورای انکشافی ولسوالی چهار کینت ولایت بلخ چنین گفت:

"عامل عمده کشمکش در ولسوالی ما دشمنی و جنگ های سابقه دار فرقه ای است. این مسئله مردم ما را از هم جدا ساخته است. برخی ها به ملیشه های طرفدار دولت پیوسته اند و دیگران با طالبان. جنگ های شدیدی صورت گرفته و در نتیجه مردمان زیادی کشته و یا زخمی شده اند."

## 2-4. فقدان انکشاف اجتماعی و اقتصادی

### کم سواد، بی کاری و فقدان زیر ساخت های ضروری

مردان، زنان و جوانان افغان که در مرحله دوم گفتگوی مردم شرکت کرده بودند، بر این نکته اجماع داشتند که فقدان توسعه اجتماعی و اقتصادی پایدار یک عامل مهم درگیری در سراسر کشور بوده است. افراد آگاه به شاخص توسعه انسانی (HDI) ارائه شده توسط برنامه انکشافی ملل متحد، که به عنوان یک مرجع اصلی برای انکشاف اجتماعی و اقتصادی در جهان مطرح است، اشاره کردند که افغانستان را در سال 2013 در جایگاه یک صد و هفتاد و پنجم در میان یک صد و هشتاد و هفت کشور قرار داده است.<sup>14</sup>

بسیاری از مردم گفتند که دولت به اندازه کافی در جهت بهبود شرایط زندگی آنها کار نکرده است. در سراسر کشور، افغانها گفتند که فقدان زیرساخت های پیشرفته و فرصت های شغلی همراه با نرخ پایین سواد، همه عوامل اصلی فقر هستند که فقر هم به نوبه خود موجب آسیب پذیری و منازعات بیشتر می شود.

مردم همچنین گفتند که توسعه نامتوازن به اختلافات درون جوامع یا بین جوامع و نیز بین جوامعی که ثروتمند هستند با دهات، ولسوالی ها و ولایاتی که بیشتر نیازمند توسعه هستند، منجر شده است. به همین صورت، در جریان بسیاری از مباحثات، مسئله تفاوت بین انکشاف شهری و انکشاف روستایی مطرح شد. مردان، زنان و جوانان افغان بر این نظر بودند که دسترسی به خدمات ضروری، خصوصاً در مناطق روستایی، محدود است، زیرا انکشاف مناطق شهری و مراکز ولایات در اولویت بوده و مناطق روستایی و دور افتاده تا حد زیادی فراموش شده است. به نظر بسیاری از شرکت کنندگان، اکثر منازعات در مناطق محروم و دور افتاده، که آنها آن را مناطق "منزوی" می گفتند، واقع می شود.

شرکت کنندگان با تاکید بر اینکه فقر و منازعه "دو روی یک سکه" است، بر این باور بودند که شرایط سخت فقر همراه با فقدان زیر ساخت ها، نرخ بالای بی کاری و نرخ پایین سواد، جوامع منزوی را در معرض نفوذ گروه های شورشی قرار می دهد. یک زن از شورای انکشافی ولسوالی دهدادی ولایت بلخ چنین توضیح داد:

<sup>14</sup> شاخص توسعه انسانی ملل متحد، 2013، قابل دسترسی در:

<https://data.undp.org/dataset/Table-1-Human-Development-Index-and-its-components/wxub-qc5k>.

"من در چند سال گذشته در نهادهای اجتماعی کار کرده ام و به همین دلیل به بسیاری از قریه جات ولایت بلخ سفر نموده و با جوامع آسیب پذیر زیادی صحبت کرده ام. نرخ پایین سواد، بی کاری و فقدان ساختارهای ضروری آشکار است. مردمی که در چنین شرایطی زندگی می کنند، به راحتی در معرض سوء استفاده توسط طالبان هستند."

یک عضو شورای محلی در ولایت هلمند نیز اشاره کرد که خستگی مردم و تمایل آنها به توسل به خشونت در حقیقت از فقدان خدمات اولیه ناشی می شود. وی می گوید:

"کیفیت پایین آموزش، بی کاری، فقدان خدمات ضروری، مانند برق و آب برای فعالیت های زراعتی، و فقدان حکومتداری خوب عوامل منازعه هستند."

به همین صورت، یک شرکت کننده دیگر از ولسوالی وردوج ولایت بدخشان، این دیدگاه را تقویت می کند. وی قضیه یک فرمانده سابق جهادی را چنین مثال می آورد:

"من فرماندهان جهادی سابق از ولسوالی وردوج را می شناسم که بی کار بوده و در شرایط طاقت فرسا زندگی می کنند. یکی از آنها فقط به انگیزه مالی به طالبان در وردج پیوست. این مشکل اتفاق می افتد زیرا بسیاری از مجاهدین سابق فعلاً بی کار هستند و در فقر و نیاز شدید به خدمات، زندگی می کنند."

## فساد، خویش خوری و جنگ سالاری

دهه ها است که افغانستان برای پاسخگویی به نیازهای انکشافی عاجل، به حمایت کمک کنندگان و جامعه بین المللی وابسته است. در کنفرانس توکیو در جولای 2012، جامعه بین المللی تعهد خود به افغانستان را از طریق "چارچوب حسابدهی مشترک توکیو" مورد تاکید قرار داده و 16 میلیارد دالر کمک انکشافی در آینده را وعده دادند. با این وجود، افغان ها در سراسر کشور خیلی بدبین بودند که کمک های آینده به آنها نفعی برساند و ناراحتی های عمیق خود را از سوء استفاده، اختلاس و توزیع ناعادلانه کمک های انکشافی در گذشته، مطرح کردند.

مردم خاطر نشان ساختند که با وجود پول انکشافی بسیار زیادی که در دوازده سال گذشته مصرف شد، فقدان ساختارها و خدمات اجتماعی مانند جاده ها، پل ها، مکاتب و مراکز صحتی نه تنها ثبات حکومت را تضعیف می کند بلکه منجر به سختی طاقت فرسا و رنج روستائیان فقیری شده که زندگی روزمره شان وابسته به معیشت ساده و دور از خدمات ضروری است. زنان و مردان در بعضی بحث های گروهی گفتند که حکومت مرکزی و نهادهای حکومتی محلی به عنوان نهادهای ناکارآمد و جدا شده از نیازهای واقعی مردم دیده می شود. بسیاری ها بیان کردند که فساد، خویش خوری در میان این نهادها و جنگ سالاری در قسمت هایی از کشور، اقتدار نهادهای دولتی را تضعیف نموده و مانع توسعه اقتصادی شده است.

شرکت کنندگان در ولایت ارزگان خاطر نشان نمودند که با وجود میلیون ها دالر پولی که دولت و کمک کنندگان بین المللی صرف برنامه های اقتصادی در این ولایت کردند، تا هنوز هیچ پیشرفت قابل ملاحظه دیده نمی شود. یک بزرگ قومی فساد احتمالی را به عنوان یک عامل چنین مطرح نمود:

"میلیون ها دالر در ارزگان توسط کمک کنندگان خارجی و دولت صرف شده، اما بسیاری از آن پول ها متأسفانه ضایع شده یا مستقیماً به جیب های عده اندکی از مردم رفته است ..."

یک نماینده شورای جوانان ولایت هلمند چنین اظهار داشت:

"سازمان های بین المللی صدها میلیون دالر را مصرف نمودند، هنوز هم مردم تغییری را در زندگی خود مشاهده نمی کنند. ما حتی نمی فهمیم که شفافیت و پاسخگویی به چی معنا است. بعد از سه دهه جنگ، مردم افغانستان نیاز دارند که انکشاف و پیشرفت در جوامع خود را فهمیده و تجربه کنند."

به همین صورت، شرکت کنندگان مباحث، در خوست نیز تقسیم ناعادلانه منابع عمومی را به عنوان یک عامل درگیری می دیدند. در مورد انکشاف نامتوازن، یک عالم دینی در شهر خوست چنین اظهار نظر کرد:

"آنانیکه هیچ منفعتی از دولت برای شان نرسیده است، می خواهند تا بخشی از منازعه باشند."

مردم در ولایت نورستان از عدم توجه دولت و کمک کنندگان بین المللی به توسعه ولایت های دور افتاده به شدت ناراحت بوده و بر این باور بودند که این عدم توجه، اقتدار حکومت محلی را تضعیف نموده، شورش را تشویق کرده و موجب آزدگی شدید مردم محل شده است. یک بزرگ قومی از ولایت نورستان این نگرانی ها را در این قالب بیان کرد:

"اعضای شورای ولایتی در ننگرهار ساکن بوده و به ندرت به نورستان سفر می کنند. آنها از مردمی که آنها را انتخاب کردند بکلی بریده اند ... بنا به کمبود مکاتب فعال و معلمان در اینجا، بسیاری از اطفال در مدارس دینی پاکستان درس می خوانند، جایی که به آنها افراط گرایی آموزش داده شده و شورش را به اینجا می آورند ... وقتی که یک ساکن ولسوالی دو آب می خواهد به پارون (مرکز نورستان) برود باید از سه ولایت (نغمان، ننگرهار و کنر) و پانزده ولسوالی بگذرد. این سفر چند روز را در بر می گیرد."

بعضی از افغان ها توزیع ناعادلانه کمک های انکشافی به همه قسمت های کشور را بر اساس ترجیحات قومی می دانستند. مخصوصاً افراد در بامیان در مورد این تقسیم بندی حساس بوده و بیان کردند که جوامع آنها احساس می کنند که آنها، ظاهراً به دلیل تقسیم خودسرانه کمک های انکشافی توسط دولت، منزوی شده و از سوی دولت فراموش شده اند. یک عالم دینی از ولسوالی سیغان ولایت بامیان چنین توضیح داد:

"ما سطح بالای تبعیض از طرف دولت را می بینیم. به عنوان مثال، ولایت بامیان یک ولایت آرام است و ولایت هلمند یک ولایت ناآرام، اما دولت شش میلیون بودجه کمکی به بامیان می دهد و 500 میلیون دالر به ولایت هلمند. بامیان باید به خاطر فضای آرام آن مورد تشویق قرار گیرد، در حالی که برعکس است."



## 5-2. رقابت بر سر کنترل منابع نامشروع اقتصادی

### شورش مرتبط با مواد مخدر

در سراسر برنامه (II) مشورتی گفتگوی مردم، افغان‌ها بر این نکته اصرار داشتند که کشت کوکنار، قاچاق مواد مخدر و اخادی غیر قانونی از سوی قاچاقچیان مواد مخدر موجب استمرار و تشدید منازعه در بسیاری از مناطق، خصوصاً در مناطق جنوب، جنوب شرق، شرق و غرب کشور، شده است. مشارکت کنندگان عمیقاً به این باور بودند که درآمد غیر قانونی ناشی از کشت، آماده کردن و قاچاق کوکنار و نیز درآمد ناشی از اعتیاد به مواد مخدر، به طور مستقیم به گروه‌های شورشی، ملیش‌یای محلی و مقامات فاسد دولتی می‌رسد. در نتیجه، مردم این گروه‌ها را به خاطر مشارکت مستقیم در ناآرامی و ناامنی بیشتر در مناطق دور افتاده که در آنجا اقتصاد نامشروع گسترده بوده و آنها می‌توانستند آنجا منافع شخصی خود را حفظ و گسترش دهند، متهم کردند. یک شرکت کننده زن از ولایت فراه چنین توضیح می‌دهد:

"افزایش درآمد ناشی از افزایش کشت، آماده سازی و قاچاق کوکنار و تریاک، ظهور گروه‌های مسلحی را که به هم متحد بوده و از نام طالبان به عنوان پوششی برای انجام فعالیت‌های غیر قانونی شان استفاده می‌کنند، تشویق کرده است. این گروه‌ها متشکل از مردان جوان بی سواد و بی‌کاری است که به وسیله طالبان و دیگر مقامات فاسد دولتی حمایت می‌شوند، تا از کنترل آنها بر زمین‌های کوکنار و اخذ پول از زارعینی که کوکنار کشت می‌کنند، حمایت کنند."

یک نفر از ولسوالی نادعلی ولایت هلمند شکایت داشت که عدم حمایت دولت، همراه با فقر، زارعین را به سمت حمایت از شورش مرتبط با مواد مخدر سوق می‌دهد:

"مردم مجبورند که کوکنار کشت کنند زیرا دولت از زراعت در این ولایت حمایت نمی‌کند. به طور مثال، ولسوالی ما برای کشت پنبه با کیفیت بهترین مکان است، اما متأسفانه دولت هیچ توجهی ندارد - دولت تولیدات ما را نمی‌خرد، پس ما باید چکار کنیم؟ زارعین تحت فشار مالی قرار دارند. آب برای زراعت کم یاب و گران است. بسیاری از پول ضروری برای کشت محصولات مشروع را ندارند، لذا به کشت کوکنار روی می‌آورند."

علاوه بر این، بزرگان قومی و مردان از ولسوالی قره باغ ولایت غزنی مشکلات افغانستان را در رابطه با اعتیاد مواد مخدر به عنوان یکی از عوامل منازعه برشمردند:

"استفاده از مواد مخدر نیز منازعه را افزایش می‌دهد؛ اعتیاد به حشیش و دیگر مواد غیر قانونی مردم را مجبور می‌کند تا به شورش متوسل شوند تا پول مورد نیاز برای خرید مواد مخدر را پیدا کنند."

زنان در مرکز ولایت غزنی نگرانی نسبت به فرزندان خود را، به دلیل فراوانی مواد مخدر و آسیب‌پذیری جوانان در استخدام شدن توسط گروه مسلح مرتبط با مواد مخدر، اظهار داشتند:

"جوانان ما با مشکلات سختی از قبیل بیکاری و استفاده از تریاک، حشیش و گاهی الکل مواجه هستند. وقتی که از زندگی خود به دلیل نبود فرصت‌ها ناامید شوند، آنها به گروه‌های مسلح رو می‌آورند."

افغان های شامل در گفتگوی مردم با توضیح بیشتر در مورد مشکل مواد مخدر به عنوان یکی از عوامل منازعه، این واقعیت را بیشتر مورد توجه قرار دادند که بسیاری از منازعات در نقاطی از کشور روی می دهد که مسیر قاچاق مواد مخدر است، زیرا گروه های قاچاقچی، حمایت لوجستیکی و مالی را در اختیار شورشیان قرار می دهد تا آنها از محموله های مواد مخدرشان حفاظت نمایند. یکی از مشارکین از ولایت بدخشان چنین اظهار نظر کرد:

"نفوذ طالبان در این اواخر در قریه های فرغاموج، کیف، کتیو و خوستک ولسوالی جرم و مناطق اطراف آن در ولسوالی وردج جزئی از استراتژی کلان تر و پیچیده شورشیان است تا راه های اصلی ورودی و خروجی بدخشان را به دست بگیرند. طالبان می خواهد تا راه های امن ترانزیت را در این ولایت به دست بگیرد تا قادر باشند که به دولت های آسیای میانه رفت و آمد کنند (جایی که صادرات مواد مخدر در آنجا برایشان سودآور است)."

### "ماfiای کوکنار"

همه کسانی که در گفتگوی مردم در ولایت بدخشان شرکت داشتند بر این نکته اتفاق نظر داشتند که کشت و قاچاق تریاک یکی از علت های اصلی ناامنی در این ولایت، خصوصاً در ولسوالی های درایم، کشم، تشکان و ارگو است. آنها مقامات عالی رتبه دولتی را به اتهام درگیر بودن آنها در کشت و قاچاق تریاک ملامت می کردند. یک مرد شرکت کننده از ولسوالی فیض آباد چنین گفت:

"من خیلی از مقامات عالی رتبه را که در قاچاق مواد مخدر درگیر هستند را می شناسم، اما نمی توانم نام ببرم چون هدف قرار می گیرم. این مقامات منافع تضمین شده در تولید و قاچاق تریاک دارند. تریاک نسل جوان ما را تباه کرده، اما هیچ کس نمی تواند نام ها را افشا کند چون ما از جان خود می ترسیم."

یکی از ساکنین ولسوالی سنگین ولایت هلمند کسانی را که اجازه می دهند تریاک کشت شود را "ماfiای کوکنار" نامیده و مقامات دولتی را متهم به همدستی با گروه های مسلح در این مسئله متهم کرده و اظهار داشت:

"بسیاری از گروه ها در دولت می خواهند که ناامنی ایجاد کرده و یا ناامنی باقی بماند تا سودشان از کشت کوکنار همچنان ادامه داشته باشد. در ولسوالی سنگین، ما زمین های بسیار کلانی داریم که برای کشت هر نوع محصول زراعتی مناسب و بارور است، اما متأسفانه دولت ما را حمایت نمی کند، بنابر این بسیاری از زارعین به سمت کشت کوکنار کشیده می شوند. گروه های مسلح از درآمد ناشی از فروش تریاک برای تمویل شورش استفاده می کنند."

مردان، زنان و جوانان افغان در سراسر کشور، کشت کوکنار و درگیری بر سر کنترل بر اقتصادی نامشروع در ارتباط مستقیم با نرخ بالای بیکاری و نبود فرصت های اقتصادی، فساد در میان نهادهای دولتی، بی سوادی، آسیب پذیری جوانان نسبت به اعتیاد و نفوذ گروه های مسلح در میان جوانان آسیب پذیر و زارعین فقیر می دیدند.

## 6-2. پروسه جاری صلح

"من به پروسه کنونی صلح باور ندارم، زیرا این پروسه توسط کسانی رهبری می شود که در گذشته یک طرف جنگ بودند. اگر صلح حاصل شود اینها چیزهای زیادی را از دست می دهند."  
-- یک فرمانده سابق جهادی، ولایت بلخ

### برنامه صلح و ادغام مجدد افغانستان

"برنامه صلح و ادغام مجدد" افغانستان مبتنی بر فرمان رئیس جمهور کرزی مورخ 29 جون 2010 است که به کوشش ها در جهت ایجاد صلح پایدار و با تاکید بر کمک به آن دسته از شورشیانی که خشونت را رها کرده و قانون اساسی را پذیرفته هدایت می دهد، به این هدف که شورشیانی که به این پروسه پیوسته را به جوامع شان باز گرداند.

در سراسر کشور، تعداد افغان ها روی برنامه صلح و ادغام مجدد افغانستان انتقاد کرده و به باور آنها این برنامه در تضاد با هدف که ایجاد عمل می کند. در مقابل ادعاهای حکومت، شرکت کنندگان از تاثیرات معکوس این برنامه روی صلح و ثبات نگرانی داشتند. به باور آنها برنامه صلح و ادغام مجدد توسط افراد رهبری می شود که بخاطر منافع شخصی شان علاقه زیاد بردوام منازعه دارند. مدیر یک مکتب در ولسوالی محمود راقی ولایت کاپیسا با افسوس گفت:

"اگر کسی بگوید که برای صلح در افغانستان کار می کند، این فرد فقط نقش هنرمندان درامه ها را بازی می کند. او این نقش را به خاطر منفعت خود انجام می دهد. هیچ فرد و گروهی صادق نبوده و نقشه راه واضح برای صلح ندارد. بزرگانی که دخیل در برنامه کنونی به اصطلاح "کوشش های صلح" هستند نیز منافع خود را می جویند- آنها از برنامه صلح پول می گیرند. این کوشش ها، به شمول شورای برنامه صلح و بازگشت، دروغ است و اینها نه اساس و نه آینده دارد."

یک شرکت کننده از ولایت کابل به خوبی گفته های شرکت کنندگان کابل در رابطه با شکست های برنامه صلح و بازگشت را چنین بیان می کند:

"برنامه صلح دولت موفق نبود و به همین دلیل ناکام ماند. درگیری های مسلحانه افزایش پیدا کرد؛ حتی رئیس شورای عالی صلح کشته شد. آنهایی که برنامه صلح را پیش می برند مورد قبول طالبان و حتی اکثر مردم نیستند."

یک زارع از ولسوالی شیندند ولایت هرات چنین اظهار داشت:

"برنامه صلح بسیار ضعیف است؛ هیچ کسی حتی به ولسوالی نرفته تا این برنامه را معرفی کند. مسئله دیگر اینکه وقتی اعضای گروه های مسلح به این برنامه می پیوندند، زندگی آنها به خطر می افتد. از یک سو طالبان به آنها می گویند که آنها به خاطر پیوستن به صلح کشته خواهند شد، و از سوی دیگر دولت در حمایت مالی از آنها برای داشتن یک زندگی بهتر ناکام مانده است."

مردان، زنان و جوانان افغان بر این نکته تاکید داشتند که پروسه صلح و ادغام مجدد به یک پروژه دولتی تبدیل شده که در آن دخالت و کنترل شدید توسط نهادهای امنیتی این پروسه به یک ابزار ضد شورش تبدیل شده و به همین دلیل مشارکت واقعی مردم عادی در پروسه صلح در ولایت مربوطه شان را تضعیف نموده است. مشارکت کنندگان گفتگوی مردم در ولایت ننگرهار، به عنوان مثال، خاطر نشان کردند که:

"پروسه صلح و ادغام مجدد خیلی شبیه به یک مکانیزم ضد شورش است تا یک برنامه ایجاد صلح."

مشارکت کنندگان به طور کلی به این نظر بودند که هرچند دادن یک سلسله مشوق ها به شورشیان برای دست کشیدن از خشونت و بازگشت به جوامع محلی شان نیاز است، اما فرصت های اقتصادی، عفوها و مقرر کردن کسانی که به پروسه پیوستند به مناصب دولتی مانند استخدام مبارزان سابق در مناصب پولیس محلی افغان، موجب معافیت از مسؤولیت شده و به عنوان یک "امتياز" به شورشیان دیده می شود. در مقابل، مردم بیشتر انجام پروژه های انکشافی با استفاده از ظرفیت های مردم محل و نیز بررسی، شناسایی و کنار گذاشتن آن دسته از شورشیانی که مسؤول نقض های فاحش حقوق بشری بودند، را پیشنهاد کردند.

در سراسر کشور، بسیاری از مردم از پروسه صلح و ادغام مجدد ناراضی بوده و بیان داشتند که این پروسه فاقد مشروعیت بوده و توسط شورشیان برای حصول منافع مالی به صورت موقت استفاده می شود. یک فعال مدنی زن ناکامی های گذشته پروسه صلح و ادغام مجدد را چنین بیان می کند:

"پروسه کنونی خلع سلاح و ادغام مجدد جنگجویان طالبان جدی نیست. در حقیقت، نشان دادن صفوف طالبانی که به زندگی اجتماعی می پیوندند و خوشامد گویی مقامات ولایتی و ولسوالی به آنها، فقط یک نمایش است. بسیاری از شورشیان آن را یک جوک می دانند: آنها به این پروسه ثبت نام می کنند، یک سلاح کهنه قدیمی را تسلیم می کنند، مقداری پول می گیرند، برای چند ماه آرام و بی سر و صدا هستند و بعد دوباره به شورش می پیوندند."

شرکت کنندگان همچنین آشکار کردند که شکست "پروسه صلح و ادغام مجدد" در رسیدگی به شکایات جوامع منزوی و رسیدگی به انتظارات شورشیانی که انگیزه ایدئولوژیک دارند، تا حد زیادی به دلیل فساد گسترده و سوء استفاده از قدرت در سطح ولایتی و درون کمیته های ولایتی صلح بوده است. یک شخصی که در ولایت فاریاب به پروسه پیوسته بود، چنین ادعا کرد:

"ما تصمیم گرفتیم که به پروسه صلح بپیوندیم تا یک نقش مثبت را در اجرای پروژه های بازسازی بازی کنیم، اما متأسفانه ما این فرصت را نیافتیم. شورای ولایتی صلح در فاریاب کاملاً فاسد است. من به پروسه صلح با 100 عدد تفنگ پیوستم، اما قبل از صحبت با مطبوعات بعضی از مقامات ولایتی از من خواستند که بگویم که من فقط 71 عدد اسلحه را تسلیم کردم. این به این معنا است که 29 اسلحه دیگر در حساب نیامده. اعضای شورای صلح و مقامات ولایتی آن را گرفتند. همچنین، بعضی از اسلحه های نو ما با اسلحه های غیر قابل استفاده تبدیل شد."

سرانجام، مشارکت کنندگان به شمول مبارزان سابق، به ناتوانی پروسه صلح و بازگشت در رسیدگی کافی به مشکلات افراد پیوسته به پروسه، از جمله در تضمین امنیت و فراهم آوری فرصت های شغلی برای آنها، اشاره داشتند، خصوصاً اینکه عدم رسیدگی به دو مسئله امنیت و شغل چندین فرد ملحق شده و مبارزان سابق را مجبور کرده که دوباره به شورش بپیوندند و یا تعداد زیادی از شورشیان علاقمند به صلح را مردد نگهداشته است. به نظر افغان ها، چنین ناکامی هایی موجب تقویت شبکه وابسته به شورش

شده است. یک مطلب تکان دهنده توسط یک نظامی سابق طالبان در ولسوالی چمتال ولایت بلخ، که در راه بازگشت از شرکت در جلسه گفتگو کشته شد، (هر چند قتل وی، به شرکت در جلسه گفتگوی مردم برای صلح مرتبط نبود) چنین است:

"من از پیوستن به پروسه صلح پشیمان هستم. من هیچ تغییری در زندگی خود از زمانی که شروع به همکاری با دولت کردم، نمی بینم. آنها به من وعده دادند که به من شغل می دهند و یا مرا در صفوف پولیس محلی افغان استخدام میکنند، اما هیچ کدام صادقانه نبود و اکنون حتی به روستای خود نمی توانم برگردم زیرا از انتقام طالبان می ترسم. دولت با من بازی کرد و الان من احساس می کنم که به حال خود رها شده ام."

در مجموع افغان ها از این شکایت داشتند که پروسه صلح و بازگشت توسط کسانی رهبری می شود که در استمرار منازعه منفعت خود را می بینند و نیز از اینکه این پروسه به جای آن که یک برنامه ایجاد صلح باشد به عنوان یک ابزار ناموفق ضد شورش دیده می شود که توسط یک عده افراد سودجو مورد استفاده قرار می گیرد. همچنین افرادی که به این پروسه ملحق شده اند، شکایت داشتند که این پروسه در عمل به وعده هایش ناکام مانده و در نتیجه این احساس به افراد ملحق شده دست می دهد که مورد استفاده قرار گرفته، از آنها در دراز مدت حمایت نمی شود و در مقابل کمک به دولت، در معرض حمله هستند. در واقع، برنامه صلح و بازگشت از سوی کسانی که برای آنها این برنامه طرح شده بود، یک شکست تلقی می گردد.

### جامعیت - "مردم عادی می توانند نقش کلیدی بازی کنند"

مردان، زنان و جوانان افغان همچنین انتقاد شدید خود را از شورای ولایتی صلح ابراز داشته و گفتند که مشورت مردم عادی، که می توانند یک نقش کلیدی را در متقاعد کردن شورشیان به پیوستن به پروسه صلح بازی کنند، نادیده گرفته شده است. یک مرد شرکت کننده از ولسوالی چهاردره ولایت کندز گفت:

"دولت باید پروسه صلح را یک پروسه خیلی گسترده تر می ساخت. این برنامه باید با مردم عادی هم مشورت می کرد و آنها را هم در آوردن صلح شریک می ساخت. مردم عادی مانند بزرگان قومی، ملاها، علمای دین و دیگران باید در مورد پروسه صلح مورد مشورت قرار گیرند."

یک بزرگ قومی از ولسوالی میدان شهر ولایت میدان وردک این دیدگاه را چنین منعکس کرد:

"دخیل کردن مردم عادی، انجمن ها، جامعه مدنی و زنان در کوشش های صلح، صلح را تقویت می کند. این مسئله همچنین به حمایت گسترده تر مردمی از دسترسی به صلح کمک می کند."

یک شرکت کننده دیگر از شهر کابل چنین اظهار نظر کرد:

"عدم هماهنگی بین شورای عالی صلح و نیروهای امنیتی افغان به ناکامی در شناسایی و به رسمیت شناختن میانجی ها و مذاکره کنندگان هر دو طرف منجر شده است."

یک مامور ملکی سابق دولت توضیح داد که چرا به نظر وی شورای عالی صلح در ولایت هلمند قادر به دسترسی به مردم عادی نشده است:

"شورای ولایتی صلح (در ولایت هلمند) محدودیت های خاص خود را دارد. اعضای آن به ندرت می توانند به مناطق ناامن و دور افتاده سفر کنند. اول آنکه حتی بودجه لازم برای انجام چنین سفرهایی را ندارند. آخرش هم اینکه مردم به شورای ولایتی صلح اعتماد نمی کنند."

دیگران در ولایت هلمند همین طور اعلام نارضایتی کردند که کارمندان شورای عالی صلح افراد سوال برانگیزی هستند که در کارهای مجرمانه دست دارند. یک محصل پوهنتون از ولایت هلمند چنین توضیح داد:

"بعضی از افراد در پروسه صلح دخیل هستند که واقعا افراط گرا هستند. آنها از این نظر برای تضمین صلح قابل اعتماد نیستند ... به خاطر دخیل بودن این افراد، پروسه کند صلح، ناکافی بوده و یک کلام قناعت بخش نیست."

همچنین پروسه صلح و برنامه هایی مانند برنامه صلح و ادغام مجدد از جهت دیگر هم مورد انتقاد گسترده قرار گرفته است و آن اینکه این پروسه در تضمین مشارکت جامع گروه های به طور سنتی منزوی شده، مانند زنان، جوانان و اقلیت های قومی، ناکام بوده و افراد کمی از این گروه ها در شورای عالی صلح حضور دارند. یک وکیل مدافع از ولایت کنر این نگرانی، که توسط افغان ها در بحث های گروهی در سراسر کشور مطرح شد را چنین ابراز داشت:

"ما بعضی زنان را در شورای صلح داریم که برای دولت کار کرده و اکنون از سوی گروه های مسلح هدف قرار گرفته اند. نصب آنها تا حد زیادی نمادین و سمبولیک است که به جامعه بین المللی نشان بدهند که تساوی جنسیتی در پروسه صلح رعایت شده است. اما، زنانی که برای دولت کار نمی کنند در موقعیت بهتری برای میانجیگری بین گروه های مسلح و دولت هستند. گروه های مسلح، زنان معمولی را که با آنها تماس می گیرند را هدف قرار نمی دهند، به خاطر اینکه زنان عادی بر اساس سنت افغانی و تعالیم اسلامی مورد احترام هستند."

مشارکت کنندگان در ولایت پکتیا موافق بودند که فعالین فعلی برای پیشبرد جدی پروسه صلح کافی نیستند. یکی از گروه هایی که گفته می شود توانایی تسریع پروسه صلح را دارند، رهبران و علمای مذهبی بود. یک محصل از گردیز ولایت پکتیا چنین خاطر نشان می سازد:

"ملاها می توانند از دانش و ارتباطات خود برای افزایش درک مردم از صلح استفاده کنند. آنها می توانند از نفوذ خود برای جلوگیری گروه های مسلح از داخل شدن در جوامع خود استفاده کنند. آنها هم چنین می توانند گروه های مسلح را تشویق کنند که صلح را برقرار سازند."

در مجموع، افغانها بر ضرورت یک پروسه فراگیر صلح، که منعکس کننده صدای مردم بوده و نگرانی ها و آرمان هایشان را منعکس نمایند، تاکید ورزیدند تا به این وسیله پایه های یک صلح پایدار در افغانستان اساس گذاری شود.

## 7-2. تاثیر درگیری بر زنان

"در بعضی از قریه جات و ولسوالی ها مثل این است که مردان حق لت و کوب زنان را داشته باشند. مردم در قریه جات همانند بزرگان نمی خواهند که دختران به مکتب بروند، صریحاً بگویم، آنها هرگز نمی خواهند زنان تحصیل کرده باشند."

-- دهقان باشنده ولسوالی شیندند ولایت هرات

اکثریت قاطع مردان، زنان و جوان ایکه در مرحله دوم مباحث گفتگوی مردم شرکت داشتند به این نظر بودند که صلح پایدار صرفاً آنگاهی قابل دسترسی خواهد بود که زنان بتوانند در تمام جوانب این پروسه فعالانه دخیل باشند. مردان، زنان و جوانان افغان در سراسر کشور، نگرانی های خویش را از هنجارهای سنتی، نورم های فرهنگ افغانی و تابوهایی که آنها باور دارند و دوامدار منحیث یک ابزار علیه زنان افغان استفاده شده و آنها را از اشتراک و یا استفاده از هر گونه مزایای طرح صلح باز می دارد، ابراز داشتند.

در سطح ملی، اشتراک کنندگان ابراز داشتند که چگونه زنان افغان از سطح بلند خشونت، که اغلب به دست اعضای فامیل صورت می گیرد، و ناشی از آنچه مردم آن را هنجارهای اجتماعی و شیوه های فرهنگی نامناسب و مضر نامیدند، رنج می برند. اشتراک کنندگان خواستار اقدام عاجل دولت و جامعه بین المللی شده تا اقدامات مقتضی را برای پایان دادن به تاثیرات منفی عنعنات مضر و ناپسند بر حقوق زنان، روی دست گرفته و هم چنان به زنان اجازه دهد تا جایگاه مناسب در راستای تلاش های جمعی برای رسیدن به صلح پایدار در کشور داشته باشند.

اشتراک کننده گان از ولایت غور درمورد تاثیر زیان بار قتل های ناموسی و چگونگی ترویج آن میان اعضای خانواده های متاثر از آن برای توجیه انتقام جویی که نقطه چرخشی برای مشتعل ساختن منازعات بین مردم بوده و یک تسلسل مجازات را بوجود می آورد صحبت نمودند. به عنوان مثال یک تاجر محلی از ولسوالی دولت یار ولایت غور خاطر نشان گردید:

"حقوق زنان باید رعایت گردد زیرا یکی از عوامل منازعه در ولایت غور قتل های کینه توزانه است که منتج به کشمکش های قومی گردیده است. زنان در اینجا بطور پیهم خشونت ها را تجربه می کنند."

به همین گونه افغانها در ولایت غزنی به ویژه به فرهنگ محافظه کارانه مناطق جنوب شرقی که شرایط را بنا بر نبود قوت های کافی امنیتی افغان و گسترش حضور و نفوذ طالبان برای زنان بدتر ساخته است اشاره نمودند. خانمی از ولسوالی قره باغ ولایت غزنی توضیح داد که چگونه عنعنات محلی مانع مشارکت زنان در امور عامه گردیده است:

"در اینجا فشارها و رسوم زیادی بالای زنان در اجتماع وجود دارد که زنان را در مجموع به انزوا کشانیده است. زنان در ولسوالی ها تحت فشار زیاد قرار دارند، آنها فرصت های آموزشی را بری شان نداشته و کار نمودن خارج از منازل ما نا ممکن می باشد. مردانی که خانم های شان در حکومت کار میکنند تجربه شرم و مردود بودن را داشته اند، که در مقابل مشکلات زیادی را در اجتماع مشتعل ساخته است."



اکثراً زمانی که زنان و دختران افغان بدون اجازه محرم و یا بدون معلومات دادن به اعضای فامیل در مورد مکانی که هستند، خانه را ترک می کنید، بازداشت و متهم به "فرار از منزل" می گردند. یک زن جوان که در برنامه گفتگو شرکت کرده بود و فعلاً به اتهام فرار از منزل در زندان تخار بسر می برد، در مورد تاثیرات زیانبخش این پالیسی که ریشه در فرهنگ دارد، توضیح داد:

"خشونت علیه زنان و رسوم و عنعنات ناپسند، مانع سهم گیری یک گروه از جامعه که عبارت از زنان باشند، در آوردن صلح و ثبات در تخار است. این رسوم ناپسند متناقض با اصول اسلام هستند."

علاوه بر این، در ولسوالی اله سالی ولایت کاپیسا، شرکت کنندگان از باز نبودن مکاتب دخترانه در آن ولسوالی و بسته بودن اکثریت مکاتب دخترانه در ولسوالی تگاب ابراز تاسف کردند. زنان، مردان و جوانان افغان این مشکل را با حضور شورشیان مرتبط دانسته، گفتند که حضور و تبلیغات طالبان سبب جلوگیری تسلط دولت بر آن مناطق گردیده است. در نتیجه حقوق زنان و دختران از این موضوع متأثر گردیده و برعکس این موضوع مطابق میل گروه های مسلحی که عقاید نهایت محافظه کارانه داشته و حقوق بشر و حقوق زنان را در مخالفت با ارزشهای اخلاقی و اسلامی میدانید، می باشد.

نهائماً، اشتراک کننده گان نگرانی شان در مورد گسترش بی امنیتی در جریان انتخابات ریاست جمهوری و شورا های ولایتی که تا ثیرات ویژه منفی خود بالای حقوق زنان را در مشارکت سیاسی و انکار از حق آنها را که حرفی برای آینده کشور شان در آینده گفته باشند را، بیان داشتند. یک خانم از شهر تالقان گفت:

"برخی از قسمت های ولایت تخار بنا بر پروسه انتخابات بیشتر بی ثبات گردیده است. هر گاه هر یک از سایت های انتخاباتی در روز انتخابات بی امن گردد، البته که برای رای دهنده گان بخصوص زنان بسیار مشکل خواهد بود که برای استفاده از استعمال رای شان بیرون بروند."

## 8-2. تاثیر درگیری بر جوانان

"جوانان مواد درگیری جاری هستند. بسیاری از آنان بی کار هستند... به همین دلیل آنها به آسانی استخدام می شوند."

### "آموزش کلید امنیت است"

افغانهایی که در گفتگوی مردم شرکت نمودند تا حد زیادی موافق بودند که درگیری بر جوانان افغان تاثیر آشکار و جدی دارد. مشکلاتی که جوانان با آن مواجه هستند از تجربه آنها با مشکلات مذکور در فوق، به شمول دسترسی به آموزش، نبود و یا ضعف دولت در اطراف، قاچاق مواد مخدر و بیکاری روز افزون، ناشی می شود. یک گروه از زنان از ولایت کنر، به شمول معلمین، زنان خانه، داکتران و محصلین پوهنتون که در مورد فساد بحث می کردند، گفتند که:

"فساد در ریاست معارف و در پوهنتون ها و مکاتب رو به افزایش است. محصلینی که می توانند رشوه بدهند یا خویشاوندان شان در دولت موقوف های خوب دارند، می توانند از امتحان کانکور بگذرند. اما فارغ التحصیلانی که پول برای پرداخت رشوه را ندارند و یا کسانی که خویشاوندانشان در دولت نیستند، نمی توانند کار پیدا کنند."

یک ساکن ولسوالی نادعلی ولایت هلمند نیز ریاست معارف را چنین مورد انتقاد قرار داد:

"ولسوالی ما فقط 12 کیلومتر از مرکز ولایت فاصله دارد، اما ما نه مکتب مناسب داریم و نه امکانات برای محصلین و معلمین. بعضی از اوقات معلم و مکتب هست اما محصلین نیستند، و لذا معلمینی که معاش خود را می گیرند در واقع کاری انجام نمی دهند. ریاست معارف غرق در فساد است."

یک استاد زن پوهنتون از ولایت کندهار توضیح داد که به باور وی آموزش برای جوانان بسیار مهم است:

"آموزش کلید امنیت است. مردم تعلیم یافته جنگ نمی کنند! به ما که در این اطاق هستیم نگاه کنید - ما با هم درگیر نمی شویم. شوهران باسوادی که شغل های خوب و پردرآمد دارند، زنان شان را نمی زنند."

تعدادی از محصلین زن از لیسسه ها و پوهنتون شهر خوست نیز توضیح دادند که چطور آموزش مانع استخدام جوانان توسط گروه های مسلح می شود:

"در فقدان آموزش، برای گروه های مسلح آسان است که ذهن نسل جوان را تغییر داده و آن را به سمت خشونت بگردانند."

یک بزرگ قریه از ولسوالی گذره ولایت هرات نیز موافق این مطلب بود که:

"علت اصلی درگیری بی سوادی است. تفاوت زیادی بین جوانان شهر و جوانان ولسوالی و قریه است. وقتی جوانان از امکانات تحصیلی دور باشد، آنها تمایز و تفکیک بین درست و نادرست را یاد نمی گیرند؛ آنها به سمت درگیری و پیوستن به گروه های مسلح می روند."

مردان، زنان و جوانان افغان از ولایت لغمان خاطر نشان ساختند که حکومتداری محلی ضعیف، ناتوانی در فراهم کردن خدمات عمومی و توزیع غیر منصفانه منابع علل درگیری است که به صورت های مختلف جوانان را متاثر می سازد. توقف انکشاف، نرخ بالای فقر، بیکاری و بی سوادی بسیاری از جوانان لغمان را به سمت پیوستن به گروه های مخالف سوق داده است. یک مشاور شورای ولایتی لغمان خاطر نشان ساخت که بسیاری از کسانی که توسط گروه های مسلح استخدام شده، بین سنین 14 تا 25 قرار دارند.

در رابطه با قاچاق مواد مخدر، مشارکت کنندگان از ولایت بدخشان، تولید تریاک را به عنوان یکی از چالش هایی دانستند که در مقابل جوانان بدخشان قرار دارد، آن هم به دلیل فقر، فقدان فرصت های شغلی و ادعای درگیر بودن اشخاص زورمند در اقتصاد نامشروع. یک پدر از شهر بزرگ بدخشان با جدیت اظهار داشت:

"پسر من بیکار بود. او نمی توانست برای خودش و عیالش چیزی به دست آورد و به همین دلیل مجبور شد که چند کیلوگرام هیروئین را از افغانستان به تاجیکستان منتقل کند. او بازداشت شد و چند سال زندانی شد. جوانان فقیر زیادی مانند پسر من در ولسوالی شهر بزرگ هستند که شرایط آنها را مجبور کرده تا تریاک حمل کنند به خاطر آنکه آنها راه دیگری برای درآمد نداشتند ... فقط اولاد آدم فقیر دستگیر می شود زیرا تنها آنها هستند که مواد مخدر را برای کسب درآمد برای فامیل، منتقل می کنند."

شرکت کنندگان از ولایت کندز نیز بیکاری جوانان را به عنوان یک عامل اصلی درگیری دانسته و تاکید کردند زمانی که افراد بیشتری کار پیدا کنند، آنها دیگر توسط شورشیان فریب نمی خورند و یا وقت یا انگیزه درگیر شدن در فعالیت های ضد صلح را ندارند. مردان، زنان و جوانان در سراسر کشور موافق بودند که افراد شاغل که ثروت را ببینند، منفعت خود را در حفظ صلح دیده و هرگز به شورشیان نخواهند پیوست و اگر هم سابقا بودند دوباره به آنها نمی پیوندند. در بحث ها، مردم پیاپی توصیه می کردند که باید فرصت های شغلی بیشتر توسط دولت به منظور مقابله با درگیری ایجاد شود. یک بزرگ قومی از ولسوالی علی آباد کندز چنین توضیح می دهد:

*"ما یک مثل معروف داریم که ذهن آدم بی کار زمین شیطان است. ریشه مشکل در بیکاری است و بیکاری دلیل اصلی پیوستن مردم، خصوصا جوانان به شورشیان است."*

شرکت کنندگان به خصوص از ولایت کندهار یک مثال از اینکه چرا به نظر آنان دولت به اندازه کافی برای ترویج فرصت های برابر شغلی برای جوانان کار نمی کند، ذکر کردند:

*"به محضی که افراد به قدرت می رسند، با خودخواهی، تمام مشاغل را به قوم و خویش خود می دهند. این کار شهروندان دیگر را از آنها دور می سازد. بی کاری خصوصا در مناطق روستایی شدید است. مردان جوانی که بیکار هستند و می بینند که دولت چقدر فاسد است، شکار کسانی می شوند که برای طالبان نیرو می گیرند؛ کسانی که از خستگی و سرخوردگی آنها سوء استفاده نموده و آنها را با معاش منظم و شاید یک موتورسایکل فریب می دهند."*

مردان، زنان و جوانان در تمام بحث ها در سراسر کشور بر تاثیر چند لایه ای منازعه بر جوانان تاکید داشتند؛ آنها دارای دیدگاه های مشابه در مورد آثار و تبعات بیکاری و نبود فرصت ها برای جوانان که به نظر آنها مرتبط با فساد و نبود انکشاف برابر است، بودند.

### 3. نقشه راه برای صلح

"دولت در مقابل جنگ سالاران مسؤوول است، نه در مقابل مردم"

-- معلم زن، ولایت بلخ

مردان، زنان و جوانان افغان که در مرحله دوم گفتگوی مردم شرکت کرده بودند، پیشنهادات گسترده ای در رابطه با راه حل های محلی برای صلح مرتبط با محیط، به هدف ریشه یابی علل درگیری و منازعات در ولایات مربوط، ارائه کردند. شرکت کنندگان پیشنهادات محکم و عملی را برای چگونگی دستیابی به صلح پایدار، که به طور کلی تحت عناوین و اقدامات زیر می آید، ارائه کردند.

#### 3-1. ارتقای مسؤولیت پذیری نهاد های دولتی

افغانها ابراز داشتند که کلید ایجاد صلح و ثبات پایدار در سرتاسر افغانستان در بازگرداندن اقتدار مشروع دولت نهفته است. اکثریت نزدیک به اتفاق افغانها که در گفتگوی مردم اشتراک داشتند، اشاره داشتند که مشروعیت نهادهای محلی دولت، بخاطر فقدان اعتماد عمومی به حکومت های محلی در سطح ولسوالی ها و ولایات، فساد حاکم و سوء استفاده از موقوف و قدرت در نهادهای امنیتی و دولتی و هم چنان نبود پاسخگویی دموکراتیک و مسلکی نیروهای امنیتی، بخصوص پولیس محلی و نیروهای حامی دولت، به شدت آسیب دیده است.

#### مبارزه با فساد

تقریباً تمام شرکت کنندگان گفتگو که نظریات خویش را شریک نمودند، به این باور بودند که عدم مشروعیت حکومت های محلی عامل اصلی عدم امنیت و بی ثباتی در ولایات آنها است. آنها به طور کلی، این موضوع را به فساد گسترده، استفاده از قدرت و نفوذ زورمندان و جنگ سالاران بر حکومت های محلی، نسبت دادند.

مردان، زنان و جوانان افغان نیاز بر تقویت کنترل و توازن که بر نهادهای حکومت محلی نظارت کند، تاکید کردند. آنها علاقه مند به داشتن حکومت های محلی مسؤوول، شفاف و مؤثر بوده و تایید کردند که برای اطمینان صلح پایدار، مسؤولیت پذیری، شفافیت و مؤثریت حکومت در محلات نقش مرکزی را بازی می کند. مردم صراحتاً خواستار تطبیق برنامه های اصلاحی، به شمول اقدامات مستقل و غیر سیاسی چون برکناری مقامات فاسد، اطمینان از شایسته سالاری در تقرر کارمندان محلی حکومت و معرفی طرز العمل های اداری مؤثر شدند. علاوه بر این، افزایش ظرفیت و نظارت از نهادهای دولتی، مانند اداره عالی نظارت، بخش های خارنوالی و قضاء به عنوان اقدامات مهم و حیاتی دانسته شد، که این اقدامات برای پایان دادن فساد و سوء استفاده از قدرت در سطح کشور مفید بوده و به نوبه خود در تسریع فراهم کردن عدالت، حاکمیت قانون و حقوق بشر برای تمام افراد توسط دولت عمل می کند.

## تقویت نهادهای امنیتی

یک دیدگاه عمومی که در بحث‌ها انعکاس یافت، ناکامی دولت در آوردن صلح و ثبات به دلیل ضعف شدید آن در اعمال مؤثر اقتدارش بود. دسترسی محدود دولت را به عنوان عامل اصلی ناتوانی دولت در نگهداری اقتدارش در بخش‌هایی از قلمروش و هم‌چنان عدم مدیریت صلح آمیز منازعات محلی، عنوان نمودند. افغان‌ها در کل، به پیشرفت‌های بدست آمده در قسمت اصلاحات و تقویت نیروهای امنیتی اذعان نموده و بخصوص سطح بالاتری از اعتماد مردم را بر اردوی ملی افغانستان گزارش دادند. هرچند، شکایات جدی مکرراً در رابطه با برخورد ظالمانه و مجرمانه، به شمول تخطی‌های صریح حقوق بشر، توسط پولیس ملی افغانستان، پولیس محلی و دیگر نیروهای حامی دولت، نیز مطرح شد.

برای ساختن نیروهای امنیتی مؤثر، مسؤول و دموکراتیک، مردان، زنان و جوانان افغان، ایجاد و گسترش عملکرد نهادهای امنیتی در دو عرصه ساختاری و مسلکی را پیشنهاد کردند. افغان‌ها اعلام داشتند که به حمایت دوامدار، برای ساختن و حرفوی کردن و اطمینان از پاسخگو بودن نیروهای امنیتی علاقه‌مندند تا این نیروها بتوانند به نیازهای مردم پاسخگو بوده و به هدف مشترک بازیگران ملی و بین‌المللی دخیل در پروسه دولت‌سازی در افغانستان متعهد باشد.

از میان 4648 مرد، زن و جوان افغان که در مرحله دوم گفتگو با آنها مشوره صورت گرفت، اکثریت قریب به اتفاق آنها به این باورند که حمایت دوامدار و همکاری‌های جامعه بین‌المللی در تجهیز و آموزش نیروهای امنیتی افغانستان، برای تقویت ظرفیت این نیروها و نگهداری امنیت بعد از خروج کامل نیروهای نظامی بین‌المللی در ختم 2014، حیاتی است. نظریات یک فعال جامعه مدنی از ولایت خوست منعکس‌کننده اجماع در مورد پیامدهای خروج زودرس نیروهای بین‌المللی در سراسر کشور، است:

*"ما تغییرات مثبت را دیده می‌توانیم اما این تغییرات دایمی نیستند. من می‌ترسم، وقتی که نیروهای نظامی بین‌المللی در افغانستان نباشند، ما تمام دست‌آوردها را از دست بدهیم."*

مسؤول یک رادیوی محلی در ولایت ننگرهار نظریات خویش در رابطه با نقش دولت و نیروهای نظامی بین‌المللی در تقویت نیروهای امنیتی افغانستان را چنین ابراز می‌دارد:

*"برای ختم جنگ، نیروهای امنیتی افغانستان باید به صورت جدی اصلاح، حمایت و تجهیز گردد. دولت باید اقداماتی را روی دست گیرد تا به فساد توسط مقامات بلند پایه رسیدگی و به عاملین آن جزا داده شود."*

افغانها عموماً بر این باور بودند که فساد گسترده و رفتار تحقیر آمیز توسط نیروهای امنیتی ملی افغانستان به خصوص پولیس ملی، پولیس محلی افغان و دیگر نیروهای حامی دولت، جوامع محلی را از حقوقشان محروم ساخته و در نتیجه مردم را تشویق به همکاری با گروه‌های شورشی کرده است. برای بازیابی اعتماد به نیروهای امنیتی ملی افغانستان، شرکت‌کنندگان در سراسر کشور پیشنهاد کردند تا جوامع محلی برای گزارش‌دهی تخطی‌های حقوق بشری که توسط نیروهای امنیتی ملی افغانستان صورت می‌گیرد، تقویت و توانمند شود و نیروهای امنیتی ملی افغانستان در مقابل اعمال غیر قانونی خویش مورد بازرسی قرار گرفته و جزا داده شوند. به عبارت دیگر، شرکت‌کنندگان خواهان یک میکانیزم/نظام عدالت جنایی (عادلانه و مؤثر) که اعمال نیروهای امنیتی ملی افغانستان را نظارت کند، می‌باشند.

هم چنان، افغانها باور داشتند که شماری از برنامه های تمویل شده و طرح های آوردن صلح که توسط مردم رهبری می شوند، مانند برنامه پولیس جامعه، جی آی زید (Deutsche Gesellschaft für Internationale Zusammenarbeit (GIZ)) و شوراهای صلح و انکشاف در سطح قریه جات، یک وسیله خوب برای نشان دادن عدم اعتماد میان جوامع و پولیس ملی افغان است. افغانها هم چنان گفتند که چنین اقدامات بصورت بالقوه می تواند یک مکانیسم نظارتی جوامع بر رفتار پولیس باشد و هم چنان ممکن است یک مکانیزم بررسی تقرر جامعه بر تفرقات در پولیس محلی افغان باشد.

### 3-2. ارتقای حقوق بشر، حاکمیت قانون و مبارزه با معافیت

در طول روند گفتگوی مردم، شرکت کنندگان به طور عموم باور داشتند که تلاش های فعال و هماهنگ برای ترویج و محافظت از حقوق بشر، تقویت حاکمیت قانون و مبارزه با معافیت باید از اهداف اصلی دولت، جامعه مدنی و جامعه بین المللی باشد. یک شرکت کننده از ولایت پکتیا احساسات اکثریت را خلاصه کرده و گفت:

*"این آرزوی مردم افغانستان است که حقوق بشر تطبیق و فساد اداری محو گردد."*

اکثریت افغانها به تاثیرات منفی جنگ و منازعات بر برخورداری از حقوق بشری اشاره کردند. یک شرکت کننده زن از شهر خوست چنین گفت:

*"درجایی که جنگ است شما از حقوق ابتدایی و اساسی برخوردار نیستید. زنان و مردان حقوق خویش را از دست می دهند، حتی مهمترین حقوق مانند حق زندگی و حق آموزش را. منازعات محلی هم مردان و زنان را از برخورداری آن حقوق محروم می کند. به عنوان مثال اگر در یک منطقه میان دو قوم جنگ باشد، هیچکدام از آنها نمی توانند اطفال خویش را به مکتب بفرستند. آنها حق دسترسی به خدمات صحتی و ... را از دست می دهند."*

هم چنان یک عالم دین، با تایید موارد فوق یاد آوری نمود:

*"اگر احترام به حقوق بشر باشد، بدون شک سطح خشونت و منازعه پایین خواهد آمد."*

هرچند در یک جامعه چند دسته و سنتی، ترویج و حمایت از حقوق بشر به طور کامل استقبال نشده است. بعضی از شرکت کننده ها نگرانی ها و ملاحظات خویش را در رابطه به رشد دشمنی و خصومت نسبت به مفهوم حقوق بشر ابراز داشتند؛ با توجه به درک اینکه مفهوم حقوق بشر وارد شده و یک مفهوم غربی است که از برخی جهات در تضاد با اصول و ارزش های اسلامی و ارزشهای سنتی افغانستان قرار دارد. با این حال، اکثر شرکت کنندگان احساس می کردند که احساسات منفی این چنینی بخاطر درک محدود از حقوق بشر است. یک معلم زن در ولایت بلخ توضیح داد که چرا بعض جوامع افغانی به حقوق بشر باور ندارند:

*"بعضی از مردم در افغانستان مخالف حقوق بشر اند، چون فکر می کنند که حقوق بشر مخالف ارزش های [سنتی] آنها است. مشکل نفس حقوق بشر نیست بلکه مشکل در نحوه معرفی حقوق بشر و برداشت آنها از حقوق بشر است... حقوق بشر یعنی آموزش و پرورش، غذا، کارایی، آزادی گشت و گذار و غیره... دستوراتی که در قرآن کریم آمده است هم در مطابقت با معیارهای حقوق بشری در رابطه به حقوق زنان است."*

اکثریت شرکت کنندگانی که در مورد حقوق بشر صحبت کردند، به طور کل، در قسمت افزایش در تعداد و کیفیت برنامه های آگاهی دهی حقوق بشری برای آشنایی جامعه با حقوق بشر و حقوق زنان، که در مطابقت جامعه و فرهنگ افغانی قرار دارند، دادخواهی کردند.

هم چنان، افغانها نگرانی عمیق خویش را در رابطه به تخطی های حقوق بشری و تلفات افراد ملکی که از اثر اعمال نیروهای نظامی بین المللی و نیروهای امنیتی ملی افغانستان رخ می دهند، ابراز داشتند. آنها معتقد بودند که حملات هوایی، یورش های شبانه و تلاشی های خانگی بر اساس معلومات استخباراتی غلط، سبب کشتار، زخمی شدن افراد و تجاوز به ارزش های اجتماعی و فرهنگی شده است. مطابق گفته های مردان، زنان و جوانان شامل گفت و شنود، این اعمال سبب درگیری شده و جوامع محلی را تشویق کردند تا به گروه های شورشی در منطقه تحت نفوذ خود برای جبران اشتباهات اعمال شده بر آنها، اجازه دهند. بنابر این شرکت کنندگان به طور جدی می خواهند که دولت و جامعه بین المللی اقدامات عملی را برای تامین امنیت افراد ملکی در جریان عملیات جنگ های مسلحانه اتخاذ نموده و هم چنان از حقوق اساسی بشری آنها در این زمینه حمایت نماید.

تقریباً تمام شرکت کنندگان گفتگوی صدا علاقه مندی خویش را برای حاکمیت بهتر قانون، نهادهای حکومتی شفاف، مسؤول، مؤثر، و پایان دادن به فرهنگ معافیت در افغانستان - اقداماتی که از دید آنها برای دستیابی به یک صلح پایدار در ولایات آنها یک ضرورت حیاتی است - ابراز داشتند. اکثریت قریب به اتفاق شرکت کنندگان پیشنهاد کردند که اصلاح و اجرای قانون و دستگاه قوه قضائیه باید در مرکز هرگونه تلاش برای ایجاد صلح پایدار باشد.

آنها به دست آوردهای مثبت در بخش عدلی در ظرف 12 سال گذشته، بخصوص اصلاحات قانونی با موجودیت نهادهای عدلی در مناطق دور افتاده، اذعان می کنند. افغانها، از جمله بر این نکات پافشاری کردند که اقدامات عملی به شمول بررسی و بازپرسی علنی از افراد کلیدی بخش عدلی، توسعه قوانین جامع، و هم چنان تعدیلات نهادی و طرزالعملی به مقصد مبارزه با فساد اداری و سوء استفاده از موقف در نهادهای عدلی همراه با نظارت کافی برای اطمینان از استقلالیت آن نهادها در راستای پایان دادن به فرهنگ معافیت در افغانستان، ضروری است.

### 3-3. ارتقای حقوق زنان و نقش آنها در اعمار صلح

افغانها اعم از زن، مرد و جوانان در مجموع به این نظر بودند که شامل بودن زنان در ابتکارات اعمار صلح برای نایل آمدن به یک صلح پایدار در افغانستان خیلی با اهمیت می باشد. همچنان اشتراک کننده گان پایان دادن به سالیان دراز بکارگیری رسم و رواج های زجر دهنده علیه زنان و دختران را ضرور دانستند و برای زنان لازم دانستند که نقش قابل ملاحظه ایرا در کرسی های ادارات محلی احراز نمایند. افغانها همچنان هشدار دادند که نباید قضایای خشونت علیه زنان از طریق ساختار های حل منازعات محلی به قضاوت گرفته شود زیرا دیدگاه های ایشان بیشتر به نفع مرتکبین تمام می گردد تا آنکه به سود قربانی باشد.

در ولایت بامیان در هر یک از بحث های گروهی، افغان ها روی ترویج و ارتقاء حقوق زنان و سهم گرفتن آنان در پروسه صلح تاکید نمودند. مردان، زنان، و جوانان در این که زنان می توانند در پروسه اعمار صلح نقش داشته باشند یک صدا بودند. آنها از دولت و نهاد های جامعه مدنی خواستند تا برنامه های آگاهی دهی در مورد حقوق زنان ایجاد کنند که به باور آنها این برنامه می توانند در این زمینه مؤثر واقع شود. یکی از شرکت کنندگان از ولسوالی یکولنگ گفت:



"در پروسه صلح، حقوق بشر و به ویژه حقوق زنان باید احترام گردد. گروه های مسلح باید قانون اساسی افغانستان را احترام و قبول کنند."

شرکت کننده دیگر از ولسوالی ورس ولایت بامیان ضمن آنکه با گفته های فوق موافق بود، گفت:

"ما باید اجازه ندهیم که حقوق زنان و یا حقوق بشر قربانی شود."

زنان، مردان و جوانان افغان در ولایت تخار، ضرورت فراهم سازی فرصت های شغلی برای زنان را به بحث گرفته پیشنهاد نمودند که با ملاحظه اینکه زنان کمتر برای فساد اداری مستعد می باشند، حضور ایشان در سیستم قضایی و دیگر کارها در سطح ادارات محلی باید بیشتر گردد. یک تن از شاگردان ذکور پوهنتون از شهر تالقان ولایت تخار چنین گفت:

"زنان باید در تمام شعبات حکومت محلی باشند. زنان باید به دفاتر سیاسی و حکومتی بپیوندند زیرا زنان صلح آفرین اند و کمترین علاقه را دارند تا به فساد مبادرت ورزند."

شرکت کنندگان زن در کابل نگرانی خویش را در مورد پیشنهاد تقویت شوراهای محلی ابراز داشته، گفتند که به نظر آنها تصامیم در شوری براساس قضاوت های سنتی است که اغلبا در راستای حمایت از زنان از مواجه شدن با خشونت های بیشتر، ناکام بوده و بحیث اعمال کننده تبعیض بر علیه آنها عمل نموده است. چنانچه یک محصل از ولسوالی گردیز ولایت پکتیا می گوید:

"مشکلی که ملاها دارند این است که آنها با توسعه و پیشرفت جهانی آشنا نیستند، به ویژه آگاهی و تفسیر آنها از حقوق زن و نیازهای آنها بسیار پایین بوده و بنابر این مشکل ساز است."

مردم از ولایت کاپیسا نگرانی خویش را ابراز داشته، گفتند که دولت برای بالا بردن سطح آگاهی در جوامع در رابطه به رسوم و عنعنات ناپسند علیه زنان و دختران و قانون منع خشونت علیه زنان مصوب سال 2009، باید فعالانه کار کند.<sup>15</sup> مردم کاپیسا ابراز داشتند که پولیس، خرنوالان و محاکم نیاز به کار بیشتر دارند تا متهمین جرایم خشونت علیه زنان، مطابق قانون مورد بازپرسی قرار گیرند، که این بازپرسی در واقع ایجاد این قانون را مشروعیت بیشتر می بخشد. علاوه بر این، آنها مشکلاتی را در مورد پولیس ملی افغان درگیر در قضایای خشونت علیه زنان مطرح نمودند و از جمله پیشنهاد کردند که باید واحدهای پاسخ فامیلی در پولیس ملی کاپیسا در قسمت بالا بردن مهارت کارمندان و بهبود ساختار برای انجام وظایفش، تقویه گردد.

---

15. مراجعه شود به قانون منع خشونت علیه زنان، جمهوری اسلامی افغانستان، 1 اگست 2009، ماده 5 قانون منع خشونت 22 عمل را خشونت علیه زنان پنداشته است که عبارت اند از: تجاوز جنسی، مجبور نمودن به فحشاء، ضبط و ثبت هویت مجنی علیها و نشر آن به نحویکه به شخصیت وی صدمه برساند، مجبور نمودن به خود سوزی یا خود کشی و یا استعمال مواد زهری یا سایر مواد ضررناک آتش زدن یا استعمال مواد کیمیاوی، زهری و یا سایر مواد ضررناک، مجروح یا معلول نمودن، لت و کوب، خرید و فروش به منظور یا بهانه ازدواج، بد دادن، نکاح اجباری، ممانعت از حق ازدواج و یا حق انتخاب زوج، ممانعت از حق ازدواج و یا حق انتخاب زوج، نکاح قبل از اكمال سن قانونی، دشنام، تحقیر و تخویف، آزار و اذیت، انزوای اجباری، اجبار زن به اعتیاد به مواد مخدر، منع تصرف در ارث، منع تصرف اموال شخصی، ممانعت از حق تعلیم، تحصیل، کار و دسترسی به خدمات صحی، کار اجباری، ازدواج با بیش از یک زن بدون رعایت حکم مندرج ماده (86) قانون مدنی، نفی قرابت.

در مجموع، افغانها براین باور بودند که در هر پروسه صلح زنان سهم داده شده و نباید سبب محدودیت بیشتر حقوق زنان گردد. یک زن که معلم مکتب در قندهار است در مورد ناکامی که در سطح کشور موجود است، چنین گفت:

"دهه های جنگ افغانستان را بیشتر مرد سالار ساخته است، حتی پیامبر گرامی اسلام (ص) از خانم های شان مشوره می گرفت. چرا نباید مردان و حاکمان ما چنین کاری را امروز انجام ندهند؟"

### 3-4. تحقق متوازن انکشاف اجتماعی و اقتصادی و توانمند سازی جوانان

در جریان گفتگو، افغانها عموماً از پیشرفت های انکشاف اقتصادی و اجتماعی، به شمول تلاش ها برای تقویت سیستم معارف، ایجاد فرصت های شغلی و اطمینان از دسترسی عادلانه به انکشاف، به عنوان عنصر مهم برای رسیدن به صلح پایدار یاد کردند. اکثریت شرکت کنندگان گفتند که با وجود بعضی از پیشرفت ها، دست آوردها با میلیارد ها دالری که توسط کمک تمویل کنندگان در طول 12 سال گذشته مصرف شده، برابر نیست. مردان، زنان و جوانان افغان گفتند که پیشرفت ها نه تنها از نظر کمییت خدمات مانند تعداد مکاتب و یا شفاخانه هایی که اعمار شده، اندازه گیری شود، بلکه کیفیت خدمات ارائه شده هم مهم است که اکثریت مردم راضی نبودند. یک زن فعال حقوق بشر از ولایت فراه گفت که چگونه نبود انکشاف اقتصادی و اجتماعی در ولایت فراه به عدم امنیت و بی ثباتی کمک کرده است:

"در این ولایت، به ویژه در ولسوالی ها، نرخ زاد و ولد بالا است در حالی که مردم فقط دسترسی به اسلحه دارند. آنها به آموزش و خدمات صحی دسترسی ندارند. با کمبود آب روبرو بوده و از امنیت غذایی برخوردار نیستند. از همچو نسل، بجز از خشونت و جنگ، دیگر چه می توان انتظار داشت؟ طالبان و گروه های مسلح دیگر به آسانی می توانند آنها را بحیث منابع انسانی رایگان برای اهداف و مقاصد خویش استفاده کنند."

### فراهم سازی فرصت های شغلی

افغانها به طور کلی اتفاق نظر داشتند که ایجاد فرصت های شغلی بیشتر به ویژه برای جوانان، تاثیرات دوامدار بر صلح و ثبات در ولایات آنها خواهد داشت. آنها روشنی انداختند که سرمایه گذاری دوامدار در بخش زراعت مانند گسترش زمین و سیستم آبیاری کافی، اقتصاد روستایی را بهبود خواهند بخشید. علاوه بر این، آنها گفتند که شرکت های دولتی و خصوصی مانند تولید نساجی، تولید فرش، گرفتن شیر درختان، تولید تیل و فابریکه های لبنیات، در صورت حمایت کافی دولت، می توانند فرصت های شغلی بیشتری را ایجاد کنند. چنانچه یک درپور موتر لاری از ولسوالی پسابند ولایت غور گفت:

"عدم توجه دولت به مسایل اقتصادی مردم، بی ثباتی را بیشتر می سازد. اگر دولت به اقتصاد و چالش های دیگر مردم توجه می کرد، ما شاهد کاهش بی ثباتی نمی بودیم."

یک نماینده ریاست حج و اوقاف ولایت پروان گفت:

"یکی از دلایل جنگ بی کاری و نبود کارخانه ها در پروان است. در زمان مجاهدین دو کارخانه بزرگ نساجی در ولسوالی جبل السراج وجود داشت که فعلاً نیست. ایجاد فرصت های شغلی برای مردم از اهمیت خاص برخوردار بوده و

تأثیرات قوی بر ختم جنگ جاری دارد. وقت مردم معاش داشته باشند و بتوانند مخارج خانواده هایشان را تامین کنند، به گروه های مسلح ملحق نمی شوند. متأسفانه دولت به این مشکلات توجه نمی کند."

## تقویت نظام آموزشی

مردان، زنان و جوانان افغان گفتند نیاز است تا دولت یک نظام آموزشی با کارایی و مؤثریت بیشتر، هم از لحاظ ساختار و زیربناها و هم از لحاظ کیفیت دروس، ایجاد کند. آنها به طور جدی خواستند تا موضوع آموزش از جمله اولویت های پیش روی دولت و جامعه جهانی باشد. افغانها تاکید کردند که زیربنای آموزشی کافی کمک می کند تا زمینه برای جذب شاگردان بیشتر بوجود آمده و این موضوع مشکلات تراکم و ازدحام مکاتب را نیز حل می کند.

گفته شد که حصول اطمینان از کیفیت آموزش، نیازمند تلاش در جهت ارتقاء ظرفیت معلمان و داشتن نصاب مشخص متناسب با محیط و ظرفیت شاگردان است.

یک مرد از ولسوالی یاوان ولایت بدخشان در مورد نیاز به آموزش بهتر در ولایت خودش توضیح می دهد:

"آموزش مردم را روشن ساخته و به سوی حرفه ها هدایت می کند، بنام مردم می تواند درامدی برای فامیل های خویش داشته باشند. در قریه ما هزاران مرد جوان بیکار است ... دولت باید زمینه آموزش مهارت های تکنیکی و حرفوی را برای این جوانان فراهم کند..."

علاوه براین، فساد اداری در نظام آموزشی افغانستان بحیث یک مانع توسط شرکت کنندگان یاد آوری شد. چنانچه یک مرد از ولسوالی مردین ولایت جوزجان گفت:

"شاگردان باهوش فارغ به مرکز ولایت جوزجان آمدند تا در امتحان شرکت کنند تا بحیث معلم در قریه جات شان استخدام شوند، اما ناکام ماندند. در حالیکه شاگردان تنبل کامیاب و استخدام شده و به قریه جات ما فرستاده شدند. تصور کنید، که کودکان از این معلمان چه چیزی را می آموزند؟ در واقع این معلمان تنبل با رشوه استخدام شدند."

یک خانم که استاد پوهنتون بود نظریات شرکت کنندگان را چنین خلاصه کرد:

"سرمایه گذاری قوی روی نظام معارف ... صلح دوامدار را خواهد آورد."

## فراهم نمودن دسترسی متساویانه به کمک های توسعه ای

افغانها اشاره کردند که بخش بزرگی از منازعات اغلب در رابطه با مسایل مربوط به دسترسی نابرابر به کمک های توسعه ای می باشند. مردان، زنان و جوانان افغان بر این باورند که تمام شهروندان از حقوق مساوی برای بهره وری از کمک های توسعه ای، بدون در نظر داشت قومیت، ارتباطات سیاسی، ارتباط دولتی، موقعیت های جغرافیایی یا موجودیت جنگ در مناطق شان، برخوردارند.

یک ژورنالیست از ولسوالی نورگرام ولایت نورستان گفت:

"در نورستان سرمایه گذاری های انکشافی وجود ندارد. از چندین سال است که [نورستان] در انزوا قرار گرفته است. بجای آن، این دشمنان [دولت] است که توجه خاص به نورستان دارد."

مردم متوجه شدند که بسیاری از اختلافات درون یک اجتماع و یا بین دو اجتماع می توانست با اقدامات مسؤولانه دولت و تمویل کنندگان بین المللی از طریق حصول اطمینان از توزیع عادلانه کمک های انکشافی، حل گردد. شرکت کنندگان در سطح کشور، بر استفاده از ارزیابی سراسری ملی برای نظارت بر پروژه های انکشافی به عنوان یک روش افزایش مؤثریت این کمک ها، تاکید داشتند.

در مجموع، افغانها چند پیشنهاد مشخص در رابطه به انکشاف پایدار که می توانست در مناطقی قابل دسترس باشد، داشتند. با این حال، با توجه به خصوصیت زراعتی بودن بسیاری از ولایات افغانستان، تعدادی از شرکت کنندگان معتقد بودند که کمک های توسعه ای باید نسبت به احداث بند برق آبی که به گفته آنها برای مبارزه با خشکسالی، ایجاد فرصت های شغلی و کمک به تامین یک منبع برق پایدار به ولایات آنها کمک می کند، هدایت گردد.

یک عضو انجمن وکلای مدافع از ولایت فاریاب توضیح داد:

"در یک دهه اخیر، دولت کارهای اندک در قسمت پروژه های زیر بنایی انجام داده است. بجای تکمیل بند آب، ما برق را از کشورهای همسایه می خریم. بجای میکانیزه ساختن زراعت ما گندم از بیرون وارد می کنیم. این خلاها در استراتژی ها و برنامه های دولت مرکزی، تاثیرات منفی روی زندگی مردم عادی داشته است."

یک عضو جامعه ولایت پنجشیر پیشنهاد احداث سد آبی را تکرار کرده، اشاره کرد:

"ما منابع و فرصت های خوب داریم اما دولت نیاز دارد تا به ولایت از نظر دور داشته ما اولویت دهد. به عنوان مثال احداث بند برق آبی در طول دریای پنجشیر می تواند در تغییر زندگی مردم توسط فراهم سازی برق به کل ولایت، کمک کند."

## 4. ابزارهای دستیابی به صلح پایدار

گفتگوی مردم افغانستان در رابطه به صلح شامل 33 سفارش به دولت افغانستان، گروه های مخالف مسلح، جامعه بین المللی و جامعه مدنی افغانستان و اقدامات که برای دستیابی یک صلح پایدار در افغانستان است، می باشد. سفارشات 4648 تن افغان اعم از زنان، مردان و جوانان ایکه در مرحله دوم گفتگو های صلح شرکت ورزیدند، به نقشه های محلی برای صلح در ولایت تهیه و ترتیب شده و تا حال 30 نقشه محلی تکمیل گردیده است.

مردان، زنان و جوانان افغان در سر تاسر کشور از پالیسی سازان ملی و بین المللی خواستند تا به اندازه کافی تلاش نمایند تا ریشه های منازعه را دریافته و برای ارتقای صلح پایدار از طریق اولویت های تشخیص شده ذیل اقدام نمایند:

### نقشه راه 10 ماده یی مردم افغانستان برای صلح

#### (i) ارتقای نهاد های پاسخگوی دولتی

- فساد گسترده میان نهاد های محلی دولت (پولیس، بخش تحقیق، قضا) و پارلمان، مستلزم ارزیابی و حساب دهی قوی تر برای ارتقای بهتر نظارت این نهاد هامیباشد.
- ضرور است تا بر نامه های اصلاحی به شمول تدابیر مستقل غیر سیاسی روی دست گرفته شوند تا مسؤولین فاسد دولتی سبکدوش گردیده، برنامه های آموزشی و ظرفیت سازی را برای حکومت محلی ارتقاء بخشیده، تقرر شفاف مبتنی بر شایستگی در ادارات محلی را با اولویت بخشیدن به کاندیدا های مشروع ولایات ایکه در آن جا ها وظایف قرار دارند، تضمین کرده و راهکار های جامع اداره را معرفی نماید.
- یک نظام کار مبتنی بر مجازات و مکافات که طی آن کار های خوب مسؤولین تقدیر گردد و و آنها ییکه به فساد مبادرت ورزند سرزنش شوند باید به شناسایی گرفته شود.

#### (ii) استحکام بخشیدن نهاد های امنیتی

- دسترسی محدود دولت به مثابه یکی از عوامل عمده فقدان حاکمیت و عدم توانایی آن در حل مسالمت آمیز منازعات محلی در سر تاسر قلمرو دولت نگرسته شد. افغانها در کل به پیشرفت های حاصله در زمینه تقویت و اصلاحات نیرو های امنیتی افغان اذعان نموده و از میزان بلند اعتماد بالای اردوی ملی افغان گذارش دادند. هرچند افغانها مکرراً شکایات شان در مورد برخورد های تخطی گرایانه بشمول خشونت های شدید حقوق بشری پولیس ملی، پولیس محلی و ملیشه های طرفدار دولت را یاد آوری کردند.
- برای ایجاد نیرو های امنیتی مسؤول و دموکراتیک، گفتگوی مردم افغانستان، ایجاد و توسعه ماموریت های نهاد های امنیتی افغان را پیشنهاد می کند.

- افغانستان از ضرورت تداوم تقویت بین المللی برای مسلکی ساختن نیرو های امنیتی پاسخگو برای مردم حمایت نموده بر نیازمندی استمرار تقویت و همکاری در تجهیز و آموزش نیرو های امنیتی افغان اصرار نمودند تا توانمندی ایرا که برای نگهداشت امنیت پس از خروج نیرو های خارجی بعد از ختم 2014 حیاتی دیده می شود تقویت نمایند.
- برای بنای اعتماد بر نیرو های ملی امنیتی افغان، مردم ایجاد یک میکانیسم نظارتی با بازتوانمند سازی مجتمعات محلی را پیشنهاد کردند تا آنها را به گذارش دهی تخطی های حقوق بشری توسط نیرو های ملی امنیتی افغان، توأم با اعمال غیر قانونی شان تحت پیگرد و مجازات قرار دهد.

### (iii) خلع سلاح و خلع قدرت نمودن گروپ های مسلح غیر قانونی و سایر ملیشه های طرفدار حکومت

- افغانستان بر دستور العملی تاکید ورزیدند که بر نفوذ قانون شکنان محلی و جنگ سالاران در سرتاسر نهاد های محلی حکومت پایان بخشد. مردم قاطعانه اظهار کردند که این کار صلح و ثبات را در مستوای ولسوالی تقویت خواهد کرد. افغانستان در سرتاسر مملکت از راه اندازی دو باره برنامه خلع سلاح گروپ های مسلح غیر قانونی که در جنوری 2005 توسط دولت آغاز گردید و در مارچ 2011 خاتمه یافت قویاً یاد آوری نمودند.
- افغانستان تا کید ورزیدند که کشت و زرع تریاک کوکنار، قاچاق مواد مخدر و اخاذی های غیر قانونی توسط قاچاقبران مواد مخدر باعث تداوم و ابقاء منازعه در بسیاری بخش ها گردیده است. مردم بیان داشتند که عواید بدست آمده از زرع، پروسس و قاچاق مواد تریاک کوکنار و همچنان از معتادین مواد مخدر، مستقیماً گروپ های اغتشاش گر و ملیشه های محلی را سود می رساند. مردم این گروپ ها را بنا بر همکاری مستقیم شان در زمینه بی ثبات سازی و نا امن سازی مناطق دور دست که اقتصاد نا مشروع در آنجا رونق دارد محکوم نمودند.
- افغانستان حکومت را فرا خواندند که قلع و قمع نمودن تجارت مواد مخدر غیر قانونی و عواید ناشی از آن را با جا بجا نمودن استراتیژیک نیرو های امنیتی افغان در ساحات ایکه تجارت مواد مخدر رونق دارد به منظور محدود ساختن فعالیت های اغتشاش گران و نا توان سازی گروپ های مسلح غیر قانونی، در اولویت قرار دهد.

### (iv) ارتقای حقوق بشر، حاکمیت قانون و مبارزه با معافیت

- افغانستان قویاً از این امر طرفداری نمودند که دولت و جامعه بین المللی باید گام های عملی ایرا بردارند تا امنیت و مسؤولیت مردم ملکی در جریان عملیات های ضد اغتشاش تضمین گردیده و حقوق بشری ابتدایی آنها را در زمینه حمایت کند. افغانستان در مستحق بودن شان بر اینکه دارای نهاد های قوی حاکمیت قانون، شفاف، حسابده و موثر باشند و باید نقطه پایان به میراث معافیت در افغانستان گذاشته شود، خیلی اصرار داشتند.
- اکثریت کلیه افغانهاییکه در گفتگو شرکت داشتند، پیشنهاد کردند که اصلاحات در سیستم تنفیذ قانون و قضا حتماً باید در مرکز هر گونه سعی و تلاش برای ایجاد صلح پایدار باقی بماند. آنها پیشنهاد کردند که کارنامه های پرسونل کلیدی بخش عدلی باید بررسی گردیده، قوانین جامع و تغییرات در اصول رفتاری به هدف مبارزه با فساد و سوء استفاده از قدرت در

بخش نهاد های عدلی توأم با نظارت کافی، انکشاف یافته و تطبیق گردد تا از استقلالیت نهاد های عدلی اطمینان حاصل شود.

#### (v) ارتقای حقوق زنان و نقش آنان در اعمار صلح

در سرتاسر کشور مردم از دولت و جامعه بین المللی بطور عاجل خواستند تا تدابیر ایرا بمنظور پایان بخشیدن به اثرات نا گوار رسم و رواج های زجر دهنده عنعنوی بر علیه حقوق زنان اتخاذ نماید و برای زنان فرصت دهد تا در تمام ابتکارات اعمار صلح به معنی درست آن مشارکت ورزند.

افغانها از دولت خواستند تا بطور فعالانه برای آگاهی دهی پیرامون عرف و عنعنات زجر دهنده بر علیه زنان و دختران ، در همه مجتمعات انسانی کار نموده و نیز سعی نماید تا قانون منع خشونت علیه زنان مصوب سال 2009 را بطور کامل تطبیق نماید. بسیاری افغانها با این موافق بودند که میگفتند: " ما حتما نباید اجازه دهیم که حقوق زنان یا حقوق بشر قربانی گردد" (به حیث بخشی از هر نوع تلاش برای نایل شدن به صلح).

#### (vi) توانمند سازی جوانان از طریق فراهم سازی فرصت های شغلی و تقویت نظام آموزشی

○ افغانها با نگرانی زیاد خاطر نشان ساختند که طالبان و سایر گروه های مسلح میتوانند به اسانی جوانان شیفته را که برای کار با معنی درست آن تلاش میکنند، در غیر آن استخدام کنند. مردم بر ضرورت مراکز آموزش مهارت های مسلکی و برنامه های بزرگ اشتغال زایی به شمول افزایش سرمایه گذاری در ساختمان و پروژه های انکشافی که مستلزم منابع بشری اند اصرار نمودند.

○ افغانها اعم از مردان ، زنان و جوانان اصرار داشتند که نیاز است تا دولت نظام بهتر و موثرتر آموزشی را برای جوانان ایجاد نماید که شامل محتوای کافی و دروس با کیفیت باشد. افغانها تصریح نمودند که انکشاف زیربنایی آموزش کمک خواهد کرد تا دانش آموزان بیشتری را در بر گیرد.

○ افغانها از دولت خواستند تا برای باز گشایی مکاتب دخترانه در آن تعداد ولسوالی هاییکه موجودیت گروپ های مسلح حق آموزش دختران افغان را از آنها سلب کرده است مصرا نه تلاش نماید .

○ اطمینان حاصل نمودن از بهبود کیفیت آموزش که مستلزم ظرفیت سازی معلمین و تصویب کریکولم مدرن بشمول ساینس و تکنولوژی که برای همه سطوح متعلمین به ویژه برای ظرفیت سازی دانش آموزان مناسب باشد نیز یاد آوری گردید.

#### (vii) تحقق متساویانه انکشاف اجتماعی اقتصادی

○ تمام افغانها از پیشرفت های محسوس اجتماعی اقتصادی یاد آوری نمودند، منجمله از تلاش های متوازن برای تقویت نظام آموزشی، فراهم سازی فرصت های شغلی و اطمینان حاصل نمودن از دسترسی به انکشاف متوازن به مثابه موضوع مهم



برای رسیدن به صلح پایدار. اکثریت افغانها بشمول مردان، زنان و جوانان تاکید ورزیدند که با وجود برخی پیشرفت های واضح، دست آورد ها به مقایسه ملیارد ها دالر ایکه کمک کننده گان طی دوازده سال گذشته به افغانستان مصرف کرده اند برابر نمی باشد. پیشرفت نه تنها باید به معیار کمیت خدمات سنجش گردد مانند تعداد مکاتب و شفاخانه های اعمار شده بلکه باید به کیفیت این خدمات مورد انتقاد نیز پرداخته شود.

- افغانها تا کید داشتند که فراهم سازی زمینه های اشتغال برای جوانان باید در دستور کار قرار گیرد.
- افغانها یاد آور شدند که دوام فقدان انکشاف متوازن و پایدار تاثیر شدیدی را بالای جوانان آسیب پذیر و دهقانان بی بضاعت که دو بخش مهم جامعه اند را از طریق اثرگذاری سطح بلند بیکاری و فقدان فرصتها، بیسوادی، قابلیت آماده گی برای اعتیاد به مواد مخدر و قاچاق مواد مخدر در برخی ولایات معین استراتیژیک به بار آورده است. آنها از دولت خواستند که به طور جدی در زمینه فراهم سازی اشتغال ترکیز نموده و نیز بر انکشاف سرمایه گذاری در تسهیلات آموزشی برای جوانان به مثابه راه هایی بازدارنده مشکلات تا کید نمودند.
- هم چنان، سرمایه گذاری دوامدار بر سکتور زراعت مانند توسعه اراضی و سیستم های آبیاری کافی برای بهبودی اقتصاد روستایی کمک می کند. شرکت های دولتی و خصوصی مانند شرکت های تولیدی نساجی، تولید فرش، تولید زرین، تولید تیل، کارخانه های لبنیات، در صورت حمایت کافی دولت، زمینه فرصت های شغلی بیشتر را فراهم می کند.
- افغانها همچنان یاد آوری نمودند که قسمت زیاد منازعات عمومی، معمولاً از اثر مسایلی ناشی از دسترسی نامتوازن به کمک های انکشافی بروز می نماید. مردم روشنی انداختند که تمام شهروندان افغان بدون در نظر گرفتن علایق قومی، روابط سیاسی، روابط با دولت، موقعیت جغرافیایی و یا هم موجودیت منازعه در ساحات شان، با هم برابر بوده و باید از بر نامه های کمک های انکشافی بطور یکسان سود ببرند. افغانها در سرتاسر کشور برای بکار گرفتن ارزیابی کشور شمول جهت نظارت نمودن بر پروژه های انکشافی به حیث یک راهیکه موثریت کمک های انکشافی را ارتقا می بخشد، اصرار داشتند.
- در مجموع افغانها چندین پیشنهاد اساسی را برای اینکه چگونه در مناطق آنها به انکشاف پایدار می توان رسید مطرح نمودند. با در نظر داشت خصوصیت اراضی بسیاری ولایات افغانستان، تعدادی از اشتراک کننده گان گفتگو بیان داشتند که کمک های انکشافی باید بسوی ساختمان بند های آبی برق متمرکز گردد آنچه که بنا بر بیان آنها میتواند در مبارزه با خشک سالی، فراهم سازی اشتغال و ذخیره مداوم انرژی برای ولایات شان آنها را کمک نماید.

## viii اطمینان حاصل نمودن از همه شمول بودن پروسه صلح

- افغانهای عادی از طریق برنامه گفتگو قاطعانه تا کید داشتند که اطمینان حاصل نمودن از مشارکت وسیع در پروسه صلح و آشتی ملی بشمول مردان، زنان، اقلیت های قومی، جامعه مدنی و به ویژه جوانان در مرکزیت موفقیت این پروسه قرار دارد. مردم باور دارند که افزایش مشارکت این اقشار اجتماع میتواند همه شمول بودن و مالکیت محلی این پروسه را به نحو بهتر تضمین کند.

- بسیاری از افغانها نگرانی شان را از عدم تشویق شدن جوانان بخاطر مشارکت آنها در حکومت محلی که به عقیده آنها صلح را مخدوش می سازد، ابراز داشتند. با معرفی برنامه های تشویقی برای جوانان از طریق برگزیدن پالیسی ها ای که جوانان را هدف قرار دهد میتوان به مشارکت وسیعتر جوانان نایل گردید.

## (ix) تقویت میکانیزم های محلی حل منازعات

- شرکت کنندگان یادآوری کردند که افغانها از فرهنگ قوی برای رسیدگی به منازعات و اختلافات محلی توسط شوراهای مردمی (جرگه و شوری) برخوردارند. آنها عموماً معتقد بودند که استفاده از این میکانیزم محلی حل اختلاف به روشی که منافع مردم، به شمول زنان و گروه های اقلیت، تقویت شود، می تواند به عنوان یک فضای سیاسی و اجتماعی که در آن مردم عادی بتوانند با همدیگر و نیز با طرفهای منازعه در یک گفتگوی سازنده برای صلح تماس بگیرند، عمل نماید.
- تعدادی از افغانها هشدار دادند که جرگه ها و شوراها نباید به عنوان حکم محکمه در موارد جدی تخطی های حقوق بشری، عمل کنند.

## (x) کنار گذاشتن مخربین صلح

- در مورد نفوذ منفی مخربین صلح، افغانها به شدت از میکانیزم بررسی افراد بر اساس معیارهای عینی هم برای جنگجویان مسلح اسبق و هم برای رهبران روند صلح و آشتی، حمایت کردند. افغان ها در سراسر کشور بر این باورند که کسانی که در روند صلح دست دارند باید صادق، با نفوذ و در جامعه خود از احترام برخوردار بوده بصورت آزاد انتخاب و یا برگزیده شده باشند. علاوه بر این، مردم به صورت جدی سفارش کردند که افراد متهم به جرایم جنگی و جنایت علیه بشریت باید از پروسه صلح کنار گذاشته شوند.
- افغانهاییکه در مناطق سرحدی زندگی میکنند بر دولت تاکید ورزیدند که سعی بیشتر نماید تا سرحدات افغانستان را امن سازد و از نفوذ گروه های مسلح به کشور جلوگیری کند. افغانها به حکومت ها ی همسایه مکرراً خواست شان را تکرار نمودند که پشتیبانی گروه های مسلح را با تجهیز و فراهم سازی محل آسایش برای آنان متوقف سازند.

## 5. نتیجه گیری و سفارشات مردم

گفتگوی مردم افغانستان برای صلح (در هر دو مرحله اول و دوم)، نهادهای همکار جامعه مدنی افغانستان را قادر ساخت تا بیشتر از 6000 مرد، زن و جوان افغان را در گفتگوی ملی برای صلح، مشارکت دهد. مرحله اول گفتگوی مردم، از طریق درخواست دیدگاه های مردم عادی این کشور در رابطه به مسایلی که بر زندگی آنها تاثیر می گذارد، به شمول صلح، آشتی، امنیت، حاکمیت قانون، حقوق بشر و انکشاف به هدف پایه گذاری یک پروسه صلح فراگیر، صورت گرفت. مرحله دوم، بر ساختن این بنیادها از طریق توانمند ساختن افغانها در ایجاد نقشه راه برای صلح در ولایات خود، متمرکز است.

مرحله دوم گفتگوی مردم افغانستان پیرامون صلح، زمینه را برای 4648 تن از افغانهای عادی به شمول مردان، زنان و جوانان فراهم کرد تا در مورد نظریات خویش در رابطه با صلح پایدار در افغانستان بحث و گفتگو کنند. شرکت کنندگان تشویق شده بودند تا از دید خویش در مورد عوامل منازعات محلی در سطوح ولسوالی ها و ولایات توضیح دهند. مهم ترین عواملی که توسط اکثریت شرکت کنندگان ابراز شد عبارت بود از عدم مسؤولیت پذیری در مقابل فساد گسترده اداری و سوء استفاده از موقف توسط مسؤولین دولتی یا در درون نهادهای دولتی به شمول پولیس، ژانوالی، قضاء و پارلمان. تقریباً همه شرکت کنندگان علاقمند به پایان دادن به فرهنگ معافیت در افغانستان بوده و همچنین خواهان ایجاد یک پل ارتباطی میان مردم و دولت، برای ختم فاصله بزرگ عدم اعتماد بودند.

بسیاری از شرکت کنندگان نگرانی خویش را از بدتر شدن وضعیت امنیتی که ناشی از عدم کارایی نیروهای امنیتی ملی افغانستان در امر مبارزه با افزایش گروه های مسلح و همچنین خروج قبل از وقت نیروهای نظامی بین المللی است، ابراز داشتند. مردان، زنان و همچنین جوانان بر نیاز به اعزام بیشتر نیروی امنیتی ملی افغانستان به مناطق دور دست و ارتقاء ظرفیت آنها نظر دادند، اما خواستار نظارت جدی بر اعمال نیروهای امنیتی ملی افغانستان شدند؛ اعمالی که به نظر آنان باعث تخطی های بی شمار حقوق بشری علیه شهروندان عادی شده و توأم با ملاحظات امنیتی، سبب نارضایتی مردم از دولت و نیروهای حامی آن گردیده است.

شرکت کنندگان شاهد توزیع ناعادلانه منابع و ارائه نابرابر کمک های انکشافی به عنوان عامل سوم جنگ بودند که به باور آنها سبب تشدید خصومت های جناحی قبلی و اختلافات درون اجتماعی و بین جوامع گردیده است. مردان، زنان و جوانان افغانستان خواستار مسؤولیت پذیری و شفافیت بیشتر در کمک های خارجی که توزیع و مصرف می گردد، به شمول میکانیزم نظارتی مؤثر که مردم عادی در تمام مراحل برنامه ریزی انکشاف سهیم باشند، گردیده اند.

افغانها هم چنان خواستار مبارزه با کشت کوکنار و مبارزه برای کنترل بر اقتصاد غیر قانونی به عنوان یک رقابت جدی شده و نرخ بالای بیکاری و نبود فرصت ها، بی سوادی، آسیب پذیری جوانان به مواد مخدر و نفوذ گروه های مسلح بر جوانان آسیب پذیر و دهاقین بی بضاعت را به عنوان عوامل کمک کننده در موفقیت تجارت مواد مخدر در ولایات استراتژیک می دیدند. آنها از دولت خواستند تا بیشتر و فعالانه روی ایجاد فرصت های شغلی تمرکز کند و تاکید کردند که فراهم آوری سهولت های آموزشی برای جوانان به عنوان یکی از راه های کمک به حل مشکلات است.

جامعه مدنی افغان، به عنوان نماینده مردم این گزارش مختصر را توحید نموده، تا صدای افغانهای عادی را بیشتر منعکس کند. این گزارش از تمام پالیسی سازان در سطوح محلی، ملی و بین المللی می خواهد تا اطمینان حاصل کنند که در تمامی اقدامات مربوط

به آوردن صلح نه تنها که مردان، زنان و جوانان افغان در آن سهیم باشند، بلکه آن اقدامات بر اساس نقشه های راه صلح باشند که خود مردم در ولایات خود مد نظر دارند. این نه تنها که مشروعیت پروسه صلح را تضمین می کند، بلکه به یک صلح پایداری که خواست مردم افغانستان است، نیز منجر می شود.

مرحله دوم گفتگویمردم بر اساس یک سلسله اقدامات اتخاذ شده توسط جامعه مدنی برای تماس با مردم افغانستان و گفتگو در مورد نظریات آنها در مورد چشم انداز صلح و مسیر آینده جامعه افغانی، ساخته شده است. 30 نقشه راه صلح ولایتی که در جریان مرحله دوم تهیه شده، شامل پیشنهادات مشخص حاوی صدای مردم به دولت افغانستان، جامعه بین المللی، گروه های مخالف مسلح و جامعه مدنی می باشند.

بر اساس نقشه های راه برای صلح، پیشنهادات ذیل توسط مردان، زنان و جوانان عادی افغانستان ارائه می شود:

## پیشنهادات مردم افغانستان

### به دولت جمهوری اسلامی افغانستان:

- ترویج پروسه صلح فراگیر، آزاد و حقوق محور با سهیم سازی افغانهای عادی به شمول زنان و جوانان، اعضای اقلیت های قومی و جامعه مدنی که فعالانه به همه جوامع دسترسی داشته و برای اطمینان از اینکه نظریات تمام افغانها را در برنامه ها برای دستیابی به صلح پایدار و امنیت، شامل ساخته شده باشد.
- توسعه و تطبیق نقشه های راه محلی برای صلح که توسط مردان، زنان و جوانان افغان، در راستای دیدگاه مردم برای رسیدن به امنیت و صلح پایدار، اطمینان از توسعه اقتصادی و اجتماعی و تحقق حقوق بشر و حاکمیت قانون در ولایات آنها، طرح گردیده است.
- حمایت از جامعه مدنی افغانستان و کمیسیون مستقل حقوق بشر در زمینه تلاشهای آنان برای پر نمودن فاصله رو به افزایشی که میان دولت و مردم بوجود آمده و حمایت از برنامه های جامعه مدنی که به مقصد آگاهی دهی در مسایل مربوط به صلح و امنیت می باشند.
- تقویت گفتگوی سازنده با طالبان و دیگر گروه های مسلح توسط علمای با نفوذ (علمای مذهبی) و بزرگان قومی برای رسیدگی به نا امنی حاکم با تاکید ویژه بر حمایت از شهروندان در گیر منازعات مسلحانه بر اساس احترام به قوانین بین المللی بشردوستانه.
- تقویت و کسب اطمینان از حمایت از حقوق بشر و احترام به حاکمیت قانون در مطابقت با موازین قانونی بین المللی و هم چنان ارزشهای اساسی اسلامی، از طریق افزایش برنامه های آگاهی دهی جامع برای جوامع محلی به هدف کاهش تخطی های حقوق بشری، به ویژه تخطی های که علیه حقوق زنان و دختران صورت می گیرد. تقویت نهاد های ملی مانند کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان که موظف به حمایت و ترویج حقوق بشر می باشد.

- **تطبیق یک رویکرد جامع به عدالت انتقالی** که شامل تعقیب عاملین جنایات که در طول جنگ های افغانستان رخ داده، صلاحیت میکانیزم بررسی برای استخدام مدیران و مقامات دولتی هم چنان کسانی که مسؤول اجرای پروسه صلح و آشتی ملی هستند از طریق کاهش فقر مبتنی بر جامعه و بهبود شرایط زندگی از طریق ایجاد فرصت های اقتصادی.
- **مبارزه مؤثر علیه فساد اداری** از طریق بازنگری، اصلاح، استحکام یا انحلال نهادهای زاید و غیر مؤثر مبارزه با فساد و ایجاد یک گروه کاری جامع و مؤثر که متشکل از محققان واجد شرایط با قدرت نظارت لازم. حصول اطمینان از استخدام مقامات دولت براساس شایسته سالاری و عاری از هرگونه تبعیض بر اساس ارتباطات قبیلوی، قومی، منطقه جغرافیایی، جنسیت، زبان یا براساس کدام ترجیح دیگر. با تاکید بر استخدام افراد قابل اعتماد، واجد شرایط و افغان های مسلکی.
- **تدویر یک سلسله برنامه های آموزشی** به هدف بهبود و ارتقاء ظرفیت مقامات دولتی به شمول پولیس، سارنوالان، اعضای قضاء، پارلمان و دیگران، با یک دید افزایش حرفوی، صداقت، مسؤولیت پذیری و ارائه خدمت در تمام سطوح دولت. ترویج تلاش های قوی برای مبارزه با فساد اداری مرتبط به توسعه که سبب توزیع ناعادلانه منابع و ارائه نابرابر کمک های توسعه ای شده و اختلافات بیرون و درون اجتماعی را تشدید می کند. تسهیل راهکارهای که قربانیان و یا فامیل های آنها را بدسترسی به عدالت و فریاد رسی مجال دهد.
- **ترویج توسعه عادلانه و مبتنی بر نیاز** از طریق سرمایه گذاری پایدار در پروژه های ساخت و ساز زیر بنایی و پروژه های مهم اقتصادی، صنعت، زراعت، خدمات عمومی و سایر بخش ها و تطبیق بدون تاخیر بیشتر پروژه های توسعه ای به حالت تعلیق درآمده، به خصوص در جوامع با نیازمندی شدید به توسعه و با تمرکز ویژه به مناطق دهاتی و دور افتاده. اولویت بندی دسترسی برابر به خدمات عمومی، مناسب و خدمات اجتماعی مانند صحت، آموزش و پرورش، آب و حفظ الصحه، در سراسر کشور. تمرکز بیشتر برای فراهم سازی ایجاد اشتغال برای جوانان، راه اندازی کمپاین سواد آموزی سراسری و استقامت دادن سرمایه گذاری های انکشافی بسوی تسهیلات آموزشی برای جوانان.
- **تقویت ظرفیت و گسترش حضور نیرو های مسلح افغان** به طوری که آنها مسؤولیت پذیر و پاسخگو به تمام نیازمندی های جوامع باشند. آموزش و تربیه نیروهای امنیتی ملی افغانستان به شمول پولیس ملی و محلی با هدف جلوگیری آنها از ارتکاب تخطی های حقوق بشری، مسؤولیت پذیری آن عده نیروهای امنیتی ملی که مرتکب تخطی های حقوق بشر شده از طریق بررسی و تحقیق عادلانه و مؤثر. آموزش و تربیه نیروهای امنیتی ملی افغانستان برای اجتناب و به حداقل رساندن تلفات افراد ملکی، ایجاد یک نهاد ناظر و تخصیص وظیفه نظارت به یک نهاد در راستای افزایش پاسخدهی نیروهای امنیتی و حصول اطمینان از اینکه تمام عملیات نظامی براساس احترام به حقوق بین المللی بشر و حقوق بشر دوستانه بین المللی باشد.
- **پایان دادن بر اعتماد به شبه نظامیان و گروه های مسلح برای امنیت ملی** ادامه جدی برنامه خلع سلاح گروه های مسلح غیر قانونی (DIAG) و اتخاذ تدابیر و اقدامات واضح برای اطمینان از اینکه هیچ شبه نظامی که طرفدار دولت باشد یانه، باید مسلح باقی نماند. همه شبه نظامیان که مرتکب تخطی های حقوق بشری شدند، به عدالت کشیده شود.

- ریشه کن کردن کشت، قاچاق و فروش مواد مخدر از طریق ایجاد یک برنامه مؤثر مبارزه با مواد مخدر با یک جدول زمانی برای تطبیق، در سطح کشور. حمایت از محصولات صنایع بدیل، ایجاد فرصت های شغلی برای دهاقین و جوانانی که درگیر اقتصاد غیرقانونی مواد مخدر اند.
- افزایش تلاش ها برای حفاظت و ترویج حقوق زنان در سطح ملی. ارتقاء مشارکت زنان در زندگی اجتماعی، حفاظت از دستاوردها، به شمول، مشارکت موثر و واقعی زنان در مجامع با هدف صلح. آموزش تمام علما (علمای دینی) و دیگر صاحب نظران، در مورد تاثیر منفی رسوم مضر و ناپسند و حصول اطمینان از اینکه آنها، بحیث ارزشهایی که سازگار با حقوق اسلامی اعلام شده به زنان احترام می گذارند.
- آموزش و تربیه پولیس، خرنوالان و اعضای قضاء در مورد قانون منع خشونت علیه زنان 2009 و مطمئن شدن از تصویب این قانون توسط پارلمان با دید وسیع و تلاشهای هماهنگ و فعال برای به عدالت کشانیدن عاملان خشونت علیه زنان.

### به جامعه بین المللی:

- حمایت دولت جمهوری اسلامی افغانستان در تطبیق پیشنهادات که در بالا برجسته گردیده اند، تا فاصله ای که میان دولت، جامعه بین المللی و مردم ایجاد شده است پر گردد.
- حمایت از اقداماتی که به منظور اطمینان از شنیدن صدای زنان، مردان و جوانان افغان اتخاذ گردیده و بازتاب آن در تمام روند های تصمیم گیری. حمایت از برنامه های با هدف مطالبه دیدگاه ها و نظریات مردم عادی افغانستان که منافع و نیاز های آنها باید اساس نقشه راه های ملی به سوی صلح قرار گیرند. حمایت از حضور گسترده تر زنان در بدنه تمام تصمیم گیریهایی که به منظور ترویج و حمایت صلح پایدار در افغانستان، ایجا شده اند.
- حمایت از دولت در توسعه یک دیدگاه/نقشه صلح روشن برای تضمین صلح و آشتی در افغانستان که همه اعضای جامعه بین المللی که در افغانستان پایبند بوده و فاقد کدام رقابت منافع و یا برنامه باشند.
- حمایت از جامعه مدنی افغانستان، برای ایجاد پل ارتباطی میان دولت، جامعه بین المللی و مردم از طریق حمایت از برنامه های جامعه مدنی که به منظور آگاهی دهی در مسایل صلح و امنیت به شمول حقوق بشر، حقوق زنان و حقوق اقلیت های قومی، تدویر می گردد.
- حمایت از حفاظت افراد ملکی و تشویق دولت در تلاش برای اطمینان از محافظت افراد ملکی در مطابقت با حقوق بین المللی بشر و حقوق بین المللی بشردوستانه، به شمول برنامه های آموزشی و ارتقاء ظرفیت که اگر در آینده به حمایت نیروهای امنیتی ملی افغانستان دایر می گردد. حصول اطمینان از اینکه عملیات نظامی نیروهای بین المللی با احساسات و ارزشهای فرهنگی افغان ها سازگار باشند.

- **ترویج توسعه عادلانه و مبتنی بر نیاز.** حصول اطمینان از رسیدن کمک‌های تمویل کنندگان به مستفیدین مورد نظر؛ تمویل برنامه‌های متمرکز به مناطق روستایی و دور افتاده؛ اطمینان از اینکه کمک‌ها نباید عواقب ناخواسته مانند تقویت منازعات و تقسیمات قومی را در پی داشته باشد؛ اندازه‌گیری مؤثریت کمک‌ها از لحاظ کیفیت خدمات نه صرف کمیت؛ تمرکز بر توسعه مبتنی بر جامعه، تمرکز بر نیازمندی مردم؛ از طریق میکانیزم درست، حصول اطمینان از اینکه بودجه تمویل شده سوء استفاده نشده، و تمام عاملین بودجه‌های که مورد دستبرد و سوء استفاده قرار گرفته، با جزای جرمی مواجه شده از موقف شان عزل می‌گردند.
- **حمایت از دولت تا اطمینان دهند که هیچ پسرقت در زمینه دست آورد های حقوق بشر وجود ندارد.** از اقدامات مربوط به صلح نظارت نموده اطمینان حاصل کند که دستاورد های حقوق بشری به شمول حقوق زنان پاسداری شده و حقوق بشر قربانی اقدامات برای دستیابی به صلح پایدار در افغانستان، نمی‌شود.
- **حمایت از پروسه صلح مبتنی بر حقوق.** اطمینان از اینکه تمام افراد یکه در پروسه اعمار صلح درگیر هستند، نماینده های مشروع تمام جوامع به شمول زنان، و اشخاص بی طرف و مستقل که مرتکب تخطی های صریح حقوق بشر نشده، باشند. در مطابقت با معیارهای بین المللی، اطمینان از اینکه هیچ یک از مرتکبین جنایات جنگی، جرایم علیه بشریت و نقص صریح حقوق بشر، مورد عفو و بخشیش قرار نمی‌گیرند.

### به مخالفین مسلح:

- **وارد شدن به مذاکرات مستقیم با دولت افغانستان** به هدف دستیابی به صلح پایدار به شمول مذاکرات میان دولت و طالبان.
- **حصول اطمینان از محافظت افراد ملکی** از طریق احترام به حقوق بشر دوستانه بین المللی توسط توقف فوری هدف قرار دادن افراد ملکی، مناطق نشیمن، اماکن مذهبی، مکاتب و شفاخانه‌ها و توقف استفاده از روش‌های بی‌رویه [بدون تشخیص] از وسایل جنگی به شمول استفاده از بمب‌های دستی کنارجاده‌ای
- **احترام به حقوق بشری تمام افغانها** به ویژه حق عمومی آموزش برای دختران و پسران به صورت مساویانه و هم‌چنان حقوق زنان و دختران.
- **در نظر گرفتن نگرانی‌ها، شکایات و آرزوهای تمام مردم افغانستان**، به شمول تمام گروه‌های قومی و مذهبی، مردان، زنان و جوانان.
- **توقف فوری هرگونه حمایت و مشارکت مستقیم در اقتصاد غیر قانونی مواد مخدر.**

- **بازی نمودن نقش پل ارتباطی میان دولت و مردم** – تدویر برنامه‌ها به مقصد آگاهی‌دهی در مسایل مربوط به صلح و امنیت، به شمول حقوق بشر (حقوق زنان، و حقوق اقلیت‌های قومی)؛ راه‌اندازی برنامه‌ها به منظور جمع‌آوری نظریات و دیدگاه‌های افغان‌های عادی و حمایت از اقدامات که به منظور ارتقاء ظرفیت محلی اتخاذ می‌گردد.
- **بلند نمودن صدای افغان‌های عادی** با اطمینان‌آزاینکه نظریات مردان، زنان و جوانان به طور منظم در طرح‌ها و مجامع به هدف دستیابی به صلاح پایدار در افغانستان، ابلاغ و منعکس می‌گردد. ونقشه‌های راه محلی برای صلح که توسط مردم تهیه شده به عنوان طرح برای دیدگاه آینده کشور به کار رود.
- **دادخواهی برای محافظت از افراد ملکی** – اطمینان‌آزاینکه تمام طرف‌های درگیر جنگ حقوق بشر دوستانه بین‌المللی را رعایت می‌کنند.
- **حمایت از دولت تا اطمینان دهند که هیچ پسرقتی در زمینه دست‌آورد‌های حقوق بشر وجود ندارد.** از اقدامات مربوط به صلح نظارت‌نموده اطمینان حاصل کند که دست‌آورد‌های حقوق بشری به شمول حقوق زنان پاسداری شده و حقوق بشر قربانی اقدامات برای دستیابی به صلح پایدار در افغانستان، نمی‌شود.
- **نظارت و دادخواهی برای یک پروسه صلح مبتنی بر حقوق و حمایت از طرح‌های دادخواهی برای اطمینان‌آزاینکه تمام افرادیکه در پروسه اعمار صلح درگیر هستند، نماینده‌های مشروع تمام جوامع به شمول زنان و اشخاص بی‌طرف و مستقل که در جنگ‌های افغانستان دخیل نبودند.** حمایت از طرح‌های دادخواهی در مطابقت با معیارهای بین‌المللی، اطمینان‌آزاینکه هیچ‌یک از مرتکبین جنایات جنگی، جرایم علیه بشریت و نقص صریح حقوق بشر، مورد عفو و بخشیش قرار نمی‌گیرند.
- **حمایت از طرح‌های منطقه‌ای صلح** – شروع هماهنگی بیشتر و تلاش‌های دادخواهانه با جامعه مدنی برای ساختن یک شبکه منطقه‌ای موثر در سطح منطقه، حمایت از تبادل نظریات در مورد نگرانی‌ها، نارضایتی‌ها و آرزوی مردم که در سطح منطقه ابلاغ شده است.







# گفتگوی مردم افغانستان پیرامون صلح

ایجاد مبانی برای یک پروسه فراگیر صلح

– نقشه های محلی برای صلح –

